



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



دیوبندیہ

علی ملا موسیٰ میمنی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیوبندیہ

نویسنده:

علی ملاموسی میدی

ناشر چاپی:

دار الاعلام لمدرسه اهل البيت عليهم السلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	دیوبندیه
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	دیباچه
۱۷	مقدمه
۱۷	پیش زمینه های تفکر دیوبندی
۱۹	مقدمه
۱۹	پیش زمینه های تفکر دیوبندی
۲۱	تقابل سرهندی با صوفیان
۲۱	تقابل سرهندی با شیعیان
۲۳	تأثیر مدرسه فکری سرهندی
۲۳	شاه ولی الله دهلوی
۲۷	تقابل دهلوی با مذهب شیعه
۲۹	مدرسه فکری شاه ولی الله دهلوی
۲۹	رویکرد جهادی در مدرسه دهلوی
۳۱	انقلاب مردم هندوستان علیه بریتانیا
۳۱	تأسیس مدرسه دارالعلوم دیوبند
۳۳	اندیشه های دیوبندیه
۳۵	گرایش های فکری دیوبندیه
۳۵	گرایش «حیاتی»
۳۷	گرایش «مماتی»
۳۹	تفکرات دیوبندی های «مماتی»
۴۱	تقابل دیوبندیه با اهل حدیث

۴۳	تقابل دیوبندیه با بریلویه
۴۳	تقابل دیوبندیه با وهابیت
۴۷	تقابل دیوبندیه با شیعه
۴۹	دیوبندیه در پاکستان
۵۱	ارتباط طالبان با مدارس دیوبندیه
۵۱	مدرسه علمیه حقانیه
۵۳	مدرسه جامعه العلوم الاسلامیه
۵۳	دیوبندیه در ایران
۵۷	منابع
۶۴	درباره مرکز

سرشناسه: ملاموسی میبدی، علی، 1360 - .

عنوان و پدید آور: دیوبندیہ/تالیف علی ملاموسی میبدی؛ زیر نظر مهدی فرمانیان؛ [تهیه کننده] موسسه روشنگر آرمان اندیشه مطالعات بنیان دینی

مشخصات نشر: قم: دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (ع)، 1394

مشخصات ظاهری: 66ص.

فروست: جریان شناسی سلفی گری معاصر؛ 5

شابک (ج.5): (6-31-7667-600-978) V.5

شابک (دوره): (3-9-94805-600-978) (V.Set)

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: دیوبندیہ

موضوع: دیوبندیہ -- عقاید -- نقد و تفسیر

موضوع: اهل سنت -- عقاید

موضوع: اسلام -- فرقه ها

شناسه افزوده: فرمانیان، مهدی، 1352 - ، ناظر علمی

شناسه افزوده: موسسه روشنگر آرمان اندیشه مطالعات بنیان دینی

رده بندی کنگره: 1394 7د9 م/4/236 BP

رده بندی دیوئی: 512/297

شماره کتابشناسی: 94297512

عكس

□

ص: 3

عكس

□

عكس

□

ديوبنديه

تأليف: على ملا موسى ميدي

زير نظر مهدي فرمانيان

ناشر: انتشارات دارالاعلام لمدرسة اهل البيت

ويراستار: زينب صالحى

صفحة آرايى: محبوب محسنى

چاپ و صحافى: دفتر تبليغات اسلامى

تيراژ: 5000 جلد

نوبت چاپ: اول - 1394

قيمت: 4000 تومان

شابك: 978-600-7667-31-6

ص: 4

با توجه به تحولات منطقه و رشد و گسترش سلفی‌گری و جریان‌های تکفیری، موسسه مطالعات بنیان دینی با هدف ارائه تحقیقات کاربردی و راهبردی، طرح کتابچه‌های مختصر و علمی در زمینه سلفی‌گری را به موسسه دارالاعلام پیشنهاد داد. مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت:، با اشراف حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی - دام ظلّه الوارف - با هدف سلفی پژوهی و وهابیت‌شناسی و نقد آرا و افکار آنها، در سال 1389 تأسیس شد و با برگزاری دوره آموزشی - پژوهشی جریان‌شناسی سلفی‌گری و نقد وهابیت، به تربیت محقق در این زمینه پرداخت. در کنار تربیت متخصص، انتشار فصل‌نامه سراج منیر (مجله تخصصی نقد وهابیت) از مهم‌ترین اقدامات مؤسسه است که تاکنون، هفده شماره از آن انتشار یافته و مورد استقبال مراجع، استادان و محققان قرار گرفته است. راه‌اندازی سایت وهابیت‌شناسی، انتشار آثاری در تبیین و نقد افکار سلفیه و ایجاد کتابخانه تخصصی، از دیگر فعالیت‌های این مؤسسه است.

در این زمینه، کمبود پژوهش‌های متقن، علمی و مختصر در شناخت و تحلیل جریان‌های سلفی معاصر وجود دارد؛ در حالی که اطلاع از وضعیت فعلی این جریان‌ها و ربط و نسبت آنها با دیگر گروه‌ها و مذاهب گوناگون، از احتیاجات مبرم مراکز علمی و فرهنگی کشور است؛ به همین علت، مؤسسه دارالاعلام که مؤسسه‌ای تخصصی و حوزوی است و از استادان مجرب و پژوهشگران متخصص در زمینه سلفی‌پژوهی و نقد وهابیت برخوردار است، طرح موسسه مطالعات بنیان دینی را پذیرفت و مقرر گردید که به صورت مشترک این کتابچه - ها انتشار یابد. این دو مؤسسه وظیفه خود می‌دانند که خلأ این پژوهش‌ها را پر کنند و در این زمینه، یاریگر مؤسسات و مراکز فرهنگی و علمی کشور باشند.

با توجه به مطالب بیان شده، مؤسسه طرح کتابچه‌های پالتویی را در زمینه شناخت و تحلیل جریان‌های سلفی و تکفیری معاصر، در دستور کار قرار داد و با یاری گرفتن از استادان و پژوهشگران خود و موسسه مطالعات بنیان دینی، به انتشار چهارده کتابچه در معرفی و تحلیل جریان‌های سلفی معاصر اقدام کرد.

چهارده موضوع مورد تحقیق در زمینه جریان‌شناسی سلفی‌گری معاصر عبارتند از:

1. تاریخ تفکر سلفی‌گری؛

2. ابن تیمیه، مؤسس مکتب سلفیه؛

3. وهابیت، تاریخ و افکار؛

4. جریان سلفی - زیدی؛

5. دیوبندیه؛

6. جماعة التبلیغ؛

7. سپاه صحابه و لشکر جهنگوی؛

8. طالبان؛

9. اخوان المسلمين؛

10. سلفية جهادي؛

11. افغان العرب؛

ص: 5

1. القاعده؛

2. داعش؛

3. تأثیر افراط‌گری شیعه بر گسترش سلفی‌گری.

بیشتر نویسندگان از محققان مؤسسه دارالاعلام هستند که با گذراندن دوره پژوهشی دوساله نقد و هابیت در مؤسسه، اکنون توانایی تبلیغ، تدریس و تحقیق در زمینه سلفی پژوهی و نقد و هابیت را دارند و این تحقیق حاصل زحمات این عزیزان است.

در پایان از حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی فرمانیان، رئیس محترم مؤسسه مطالعات بنیان دینی (اندیشکده راهبردی ادیان، فرق و مذاهب) که راهنمایی و ویرایش علمی این مجموعه را نیز به عهده داشتند، صمیمانه قدردانی می‌کنیم.

مهدی مکارم شیرازی

ریاست مؤسسه

دارالاعلام لمدرسة اهل البيت)

ص: 6

پیش زمینه های تفکر دیوبندی 12

تقابل سرهندی با صوفیان 13

تقابل سرهندی با شیعیان 14

تأثیر مدرسه فکری سرهندی 16

شاه ولی الله دهلوی 17

تقابل دهلوی با مذهب شیعه 22

مدرسه فکری شاه ولی الله دهلوی 23

رویکرد جهادی در مدرسه دهلوی 24

انقلاب مردم هندوستان علیه بریتانیا 26

تأسیس مدرسه دارالعلوم دیوبند 27

اندیشه های دیوبندی 30

گرایش های فکری دیوبندی 31

گرایش «حیاتی» 31

گرایش «مماتی» 34

تفکرات دیوبندی های «مماتی» 38

تقابل دیوبندی با اهل حدیث 39

تقابل دیوبندی با بریلویه 41

تقابل دیوبندی با وهابیت 42

تقابل دیوبندی با شیعه 46

دیوبندیہ در پاکستان 49

ارتباط طالبان با مدارس دیوبندیہ 51

مدرسه علمیه حقانیہ 52

مدرسه جامعۃ العلوم الاسلامیة 55

دیوبندیہ در ایران 56

منابع 59

ص: 7

«دیوبندی» مکتبی است که در قرن دوازدهم هجری به دست شماری از علمای حنفی در شبه قاره هند بر مبنای تفکر شاه ولی الله دهلوی در روستای دیوبند (1) تأسیس شد. (2) علمای دارالعلوم دیوبند در فقه مقلد ابوحنیفه و در اعتقادات و کلام تابع ابومنصور ماتریدی و ابوالحسن اشعری هستند، نگاه مثبتی به سلسله های تصوف اعم از نقش بندیه، چشتیه، قادریه و سهروردیه دارند و تحت تأثیر ابن تیمیه برخی از اعمال مسلمانان را بدعت و شرک می دانند. (3) به نظر دیوبندیان، هر فردی آرا و افکار خود را از مجدد الف ثانی احمد سرهندی و شاه ولی الله دهلوی اخذ کند و این تفکرات را با اندیشه مؤسسان جامعه دارالعلوم دیوبند متصل بداند در زمره علمای دیوبندی به شمار می رود، اگرچه خارج از شبه قاره هند به امور دینی، سیاسی یا اجتماعی اشتغال داشته باشد. (4) دیوبندیه، با تأثیرپذیری از شاه ولی الله دهلوی، عزاداری و بنای بر قبور را بدعت می دانند، استغاثه و نذر برای ارواح اولیای الاهی را شرک قلمداد می کنند و گرچه گرایش های صوفیانه دارند اما برخی از اعمال صوفیان را نیز شرک و بدعت محسوب می کنند.

بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی و برقراری جنبش خلافت در هند در سال 1926، یکی از فارغ التحصیلان دیوبند با تأسیس سازمان «جماعت تبلیغ» باعث گسترش فزاینده تفکر و مکتب دیوبند شد و این تفکر در سراسر جهان بسط یافت. تفکر دیوبندیه قریب به هفتاد سال پیش به ایران اسلامی وارد شد و امروزه بسیاری از مولوی های شرق ایران از فارغ التحصیلان مکتب دیوبند هستند و به گسترش این طرز تفکر کمک می کنند.

در کنار گروه های معتدل و ضد تکفیری دیوبند، برخی از فارغ التحصیلان افراطی این مکتب گروه هایی تأسیس کردند که امروزه از مهم ترین جریان های تکفیری جهان اسلام به شمار می روند. سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، لشکر طیبه و طالبان افغانستان و پاکستان از این دسته اند. این عده در مدارس دیوبند تحصیل کرده اند و به گسترش تکفیر و افراط در جهان اسلام، به ویژه در شرق جهان اسلام، دامن زده اند. آنچه در ادامه می آید مختصری از تاریخ پیدایش، تطورات، عقاید و افکار دیوبندیان است.

پیش زمینه های تفکر دیوبندی

از مهم ترین افرادی که تأثیر فراوانی بر تفکر دیوبندیه گذاشته اند احمد فاروقی سرهندی از فقیهان حنفی ماتریدی نقش بندی (متوفای 1034 ه.ق.) است (5) که نزد نقش بندیان به امام ربانی معروف است. او به سبب مبارزه با بدعت های اهل زمانه خود به مجدد الف ثانی، یعنی تجدیدکننده دین اسلام در هزاره دوم، معروف شد. سرهندی اعتقاد داشت که ظلمت کفر و بدعت بر جهان اسلام مستولی شده و نور قرآن و سنت نبوی رو به افول است. (6) به اعتقاد او، جهان اسلام در دریای بدعت غرق شده و در ظلمت بدعت آرام گرفته است. بیشتر علما، به جای احیای سنت، خود مروج بدعت اند و مردم را به بدعت دلالت می کنند. (7)

ص: 8

1- دیوبند شهری است در ایالت اوتارپرادش که به سبب وجود جامعه اسلامی «دارالعلوم» در این شهر مشهور شده است.

2- سید طالب الرحمن، الادیوبندیة تعریفها عقائدها، ص 21.

3- خلیل احمد سهارنپوری، المهند علی المفند، ص 33-34.

4- نک.: محمد طیب، علماء دیوبند عقیده و منهجاً، ص 69-73.

5- سید بن حسین العفانی، زهر البساتین من مواقف العلماء والربانین، ج 1، ص 84.

6- . احمد سرهندي، مکتوبات امام رباني، ج 3، ص 174.

7- . همان، ج 2، ص 103.

«دیوبندی» مکتبی است که در قرن دوازدهم هجری به دست شماری از علمای حنفی در شبه قاره هند بر مبنای تفکر شاه ولی الله دهلوی در روستای دیوبند (1) تأسیس شد. (2) علمای دارالعلوم دیوبند در فقه مقلد ابوحنیفه و در اعتقادات و کلام تابع ابومنصور ماتریدی و ابوالحسن اشعری هستند، نگاه مثبتی به سلسله های تصوف اعم از نقش بندیه، چشتیه، قادریه و سهروردیه دارند و تحت تأثیر ابن تیمیه برخی از اعمال مسلمانان را بدعت و شرک می دانند. (3) به نظر دیوبندیان، هر فردی آرا و افکار خود را از مجدد الف ثانی احمد سرهندی و شاه ولی الله دهلوی اخذ کند و این تفکرات را با اندیشه مؤسسان جامعه دارالعلوم دیوبند متصل بداند در زمره علمای دیوبندی به شمار می رود، اگرچه خارج از شبه قاره هند به امور دینی، سیاسی یا اجتماعی اشتغال داشته باشد. (4) دیوبندیه، با تأثیرپذیری از شاه ولی الله دهلوی، عزاداری و بنای بر قبور را بدعت می دانند، استغاثه و نذر برای ارواح اولیای الاهی را شرک قلمداد می کنند و گرچه گرایش های صوفیانه دارند اما برخی از اعمال صوفیان را نیز شرک و بدعت محسوب می کنند.

بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی و برقراری جنبش خلافت در هند در سال 1926، یکی از فارغ التحصیلان دیوبند با تأسیس سازمان «جماعت تبلیغ» باعث گسترش فزاینده تفکر و مکتب دیوبند شد و این تفکر در سراسر جهان بسط یافت. تفکر دیوبندیه قریب به هفتاد سال پیش به ایران اسلامی وارد شد و امروزه بسیاری از مولوی های شرق ایران از فارغ التحصیلان مکتب دیوبند هستند و به گسترش این طرز تفکر کمک می کنند.

در کنار گروه های معتدل و ضد تکفیری دیوبند، برخی از فارغ التحصیلان افراطی این مکتب گروه هایی تأسیس کردند که امروزه از مهم ترین جریان های تکفیری جهان اسلام به شمار می روند. سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، لشکر طیبه و طالبان افغانستان و پاکستان از این دسته اند. این عده در مدارس دیوبند تحصیل کرده اند و به گسترش تکفیر و افراط در جهان اسلام، به ویژه در شرق جهان اسلام، دامن زده اند. آنچه در ادامه می آید مختصری از تاریخ پیدایش، تطورات، عقاید و افکار دیوبندیان است.

پیش زمینه های تفکر دیوبندی

از مهم ترین افرادی که تأثیر فراوانی بر تفکر دیوبندیه گذاشته اند احمد فاروقی سرهندی از فقیهان حنفی ماتریدی نقش بندی (متوفای 1034 ه.ق.) است (5) که نزد نقش بندیان به امام ربانی معروف است. او به سبب مبارزه با بدعت های اهل زمانه خود به مجدد الف ثانی، یعنی تجدیدکننده دین اسلام در هزاره دوم، معروف شد. سرهندی اعتقاد داشت که ظلمت کفر و بدعت بر جهان اسلام مستولی شده و نور قرآن و سنت نبوی رو به افول است. (6) به اعتقاد او، جهان اسلام در دریای بدعت غرق شده و در ظلمت بدعت آرام گرفته است. بیشتر علما، به جای احیای سنت، خود مروج بدعت اند و مردم را به بدعت دلالت می کنند. (7)

ص: 9

1- دیوبند شهری است در ایالت اوتارپرادش که به سبب وجود جامعه اسلامی «دارالعلوم» در این شهر مشهور شده است.

2- سید طالب الرحمن، الادیوبندیة تعریفها عقائدها، ص 21.

3- خلیل احمد سهارنپوری، المهند علی المفند، ص 33-34.

4- نک.: محمد طیب، علماء دیوبند عقیده و منهجاً، ص 69-73.

5- سید بن حسین العفانی، زهر البساتین من مواقف العلماء والربانین، ج 1، ص 84.

6- . احمد سرهندي، مکتوبات امام رباني، ج 3، ص 174.

7- . همان، ج 2، ص 103.

شیخ احمد معتقد بود تمام این مشکلات به پذیرش بدعت حسنه از سوی علما باز می‌گردد، لذا به مبارزه با آن پرداخت. (1) او اعتقاد داشت نباید هیچ فقهی به حُسن بدعت فتوا دهد. (2) به همین دلیل بسیاری از اعمال همچون برگزاری جشن میلاد پیامبر\$ را به سبب نبود دلیل شرعی بر مشروعیت آنها بدعت می‌شمرد و خواستار احتراز از چنین اعمالی بود. (3)

تقابل سرهندی با صوفیان

شیخ احمد با تصوف مخالفتی نداشت اما افراط در کارهای صوفیانه و دوری از شریعت را آفت تصوف می‌دانست. او معتقد بود طریقت و حقیقت خادمان شریعت اند. (4) وی طریقت نقش بندیه را به سبب التزام بیشتر به شریعت اسلامی ستایش می‌کرد و ممنوعیت استماع غنا و حضور در مجلس رقص صوفیان در طریقت نقش بندیه را نشانی از التزام آن به شرع می‌دانست. (5)

سرهندی به صوفیان گوشزد می‌کرد که آنچه در اثبات حکم شرعی معتبر است کتاب، سنت، قیاس و اجماع است و غیر از این چهار حجت هیچ حجت دیگری وجود ندارد. الهامات اولیا هیچ گاه نمی‌تواند حرامی را حلال یا حرامی را حلال کند. به همین قیاس، مکاشفات صوفیان هیچ دخلی در وجوب یا سنت عملی ندارند. ذوالنون، بسطامی، جنید و شبلی در تقلید از مجتهدان در احکام اجتهادیه با زید، عمرو، بکر و خالد که از عوام مؤمنان اند مساوی اند. (6)

او در مکتوباتش به عمل غنای صوفیان اشاره می‌کند و معتقد است برای حرمت غنا آیات و احادیث فقهی بسیاری وجود دارد، تا جایی که احصای آنها ممکن نیست. هیچ فقهی فتوا به اباحه غنا، رقص و پایکوبی نداده و عمل صوفیان هیچ سندیتی در حلیت و حرمت آنها ندارد. در اینجا قول ابوحنیفه، ابویوسف و محمد بن حسن معتبر است نه عمل شبلی و ثوری. (7) وی برخی اعمال دیگر صوفیان را نه فقط حرام بلکه منافی توحید عبادی و از مظاهر شرک می‌دانست. از باب نمونه، ذبح حیوانات منذور در کنار قبور مشایخ و روزه به نیت مشایخ برای برآورده شدن حاجات را در زمره شریک قراردادن غیر در عبادت خداوند می‌دانست. (8)

تقابل سرهندی با شیعیان

مذهب تشیع از جریان های مذهبی بسیار فعال در آن دوره بود. در آن زمان صفویان در ایران با رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع به گسترش آن پرداختند و در مقابل، هم در امپراتوری عثمانی و هم در هندوستان، برای جلوگیری از گسترش تفکر شیعی که دولت صفوی و بسیاری از دولت های محلی هند حامی آن بودند، نگارش آثار ضد شیعه به طور گسترده رواج یافت.

در این زمان ازبکان مشهد را محاصره و شیعیان را قتل عام کردند. یکی از علمای شیعه مشهد نامه ای به عبدالله خان ازبک نوشت و او را مؤاخذه کرد که به چه دلیل اموال اهالی این شهر را برای خود حلال می‌دانند و دست به قتل و غارت آن برده اند، در حالی که اکثر اهالی شهر از ذریه رسول الله هستند. این نامه سبب شد عبد الله خان از علمای اهل سنت در ماوراءالنهر بخواهد کفر شیعیان را ثابت کنند تا غارت اموال و کشتار شیعیان شرعاً مشروع باشد. (9)

مولانا محمد رستم‌داری مشکک در پاسخ به این نامه با استناد به متون بزرگانی از اهل سنت همچون اشعری، غزالی، آمدی، نسفی و ابن اثیر شیعه را از جمله فرق اسلامی معرفی کرد و گفت آنچه شیعیان به آن باور دارند سبب تکفیر نمی‌شود، زیرا علمای اهل سنت اهل قبله را مسلمان می‌دانند. نامه علمای ماوراءالنهر و پاسخ آن با عنوان «جواب مکتوب علمای ماوراءالنهر که مولانا رستم‌داری قلمی نموده»

- 1- . مسعود ندوى، تاريخ الدعوة الاسلامية فى الهند، ص 109.
- 2- . احمد سرهندي، مكتوبات امام ربانى، ج 2، ص 39.
- 3- . محمد صديق حسن خان قنوجى، أبجد العلوم، ص 534.
- 4- . احمد سرهندي، مكتوبات امام ربانى، ج 1، ص 54.
- 5- . همان، ج 1، ص 310.
- 6- . همان، ج 2، ص 108.
- 7- . همان، ج 1، ص 335.
- 8- . همان، ج 3، ص 70.
- 9- . رسول جعفریان، «احمد سرهندي و رابطه شيعيان خراسان و هندوستان»، پیام بهارستان، ش 1 و 2، ص 62-63.

شهرت بسیاری پیدا کرد. بر اساس محتوای رساله رد روافض به قلم سرهندی می توان دریافت که این پاسخ در هند تأثیر بسیاری داشته و همین امر باعث شده شیعیان نسخه هایی از آن را در آن دیار ترویج کنند. (1)

احمد سرهندی برای اینکه بتواند از تأثیر این رساله بکاهد حوالی سال 1001 ه.ق. رساله رد روافض را در رد اندیشه شیعه نگاشت. (2) این رساله نقطه شروع تقابل دو مذهب شیعه و حنفی در عهد جهانگیر خان مغول شد و این تنازع تا عصر حاضر ادامه پیدا کرده است.

تأثیر مدرسه فکری سرهندی

بعد از سرهندی شاگردان وی روش استاد را ادامه دادند. شیخ محمد معصوم، فرزند احمد سرهندی، استاد و معلم اورنگ زیب شد و او را بر اساس مکتب فکری سرهندی تربیت کرد. اورنگ زیب در سال 1069 ه.ق. به سلطنت رسید. او بسیار متعصب و سخت گیر بود. تحمل نکردن دیگران، مقابله با آنچه به زعم سرهندی بدعت بود و سخت گرفتن بر هندوان از کارهای تفرقه انگیز اورنگ زیب بود. وی جزیه را برای هندوها اجباری کرد و تا جایی که توانست آنها را از سمت های دولتی برکنار کرد. هزاران معبد هندو و بسیاری از بناهای زیبای قدیمی را ویران کرد. (3)

جشن عید نوروز اهل فارس را باطل اعلام کرد و مانع ورود شیعیان به هندوستان شد. (4)

به دستور اورنگ زیب کتابی با عنوان الفتاوی الهندی به منزله مبنای قوانین کشور نگارش یافت و به این ترتیب تفکر احمد سرهندی در هند عملی شد و در میان مسلمانان و هندوان و مذاهب دیگر، تفرقه و عداوت ایجاد کرد. (5)

شاه ولی الله دهلوی

بعد از وفات احمد سرهندی و چهار سال قبل از فوت اورنگ زیب، شاه ولی الله دهلوی در سال 1114 ه.ق. در شهر دهلوی به دنیا آمد. (6) دهلوی با گذراندن دروس مقدماتی قریب به دوازده سال نزد شیخ محمد افضل سیالکوتی به فراگیری علم حدیث مشغول بود تا اینکه در سال 1143 ه.ق. عازم حجاز شد. شاه ولی الله دهلوی در حجاز با تلمذ نزد برخی از علما همچون محمد بن ابراهیم کردی، شیخ محمد حیات سندی استاد محمد بن عبدالوهاب (7) و شیخ ابراهیم کورانی با آثار ابن تیمیه و ابن قیم آشنا شد و از آرا و اندیشه های آنها تأثیر پذیرفت. (8)

دهلوی در دفاع از ابن تیمیه می نویسد: «من در حال ابن تیمیه تحقیق کردم، او را عالم به کتاب الله و معانی لغوی و شرعی و حافظ سنت رسول الله یافتم ... اموری که علما بر او خرده گرفته اند همگی نزد او با دلیل از کتاب و سنت و آثار سلف ثابت شده است، پس مثل چنین شیخی در عالم نادر است». (9)

دهلوی بعد از بازگشت به دهلوی مدرسه رحیمیه را برای اهتمام به علوم حدیث و گسترش تفکر ابن تیمیه تأسیس کرد. از معروف ترین دانش آموختگان این مدرسه فرزند او شاه عبدالعزیز دهلوی است. (10)

به عقیده دهلوی، سلف احکام الهی را با رجوع به کتاب و سنت به دست می آوردند و این شیوه تا عصر اموی ادامه داشت، اما در دوره عباسی هر طایفه ای از فقیه مذهب خود پیروی کرد و در جایی که نصی از امام مذهب نرسیده بود از کتاب و سنت استنباط می کرد، اما با گسترش دولت اسلامی و پخش شدن مسلمانان در نقاط دوردست، هر مسلمانی بر مذهب فقهی استادان خود تکیه می کرد و آنچه

مستنبط از کتاب و سنت بود به سنت لایتغیر تبدیل شد و به صورت اصلی درآمد که مسائل فرعی از آن حکم مستنبط تفریع می شد. (11)

بر همین اساس، دهلوی بالحنی تند مقلدان ابوحنیفه، مالک، احمد حنبل و شافعی را خطاب قرار

ص: 11

- 1- . همان، ص 64.
- 2- . ابوالحسن ندوی، الامام سرهندي حياته واعماله، ص 334.
- 3- . جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ج 1، ص 613 و 615.
- 4- . احمد محمود ساداتی، تاریخ المسلمین فی شبه القارة الهندية وحضارتهم، ج 2، ص 214.
- 5- . ابوالحسن ندوی، محاضرات إسلامية فی الفكر والدعوة، ص 385-387.
- 6- . ابوالاعلی مودودی، موجز تاریخ تجدید الدین و احیائه و واقع المسلمین و سبیل النهوض بهم، ص 101.
- 7- . سید بن حسین عقّانی، زهر البساتین من مواقف العلماء والربانین، ج 2، ص 106.
- 8- . عبدالرحمن بن عبدالجبار فریوائی، «شیخ الاسلام ابن تیمیة علومه و معارفه و دعوته فی شبه القارة الهندية»، مجلة البحوث الاسلامیة، ش 42، ص 165.
- 9- . محمّد عزیز شمس و علی بن محمّد العمران، الجامع لسیرة شیخ الاسلام ابن تیمیة، ص 641؛ نعمان بن محمود آلوسی، جلاء العینین فی محاكمة الأحمدين، ص 60.
- 10- . جمیل عبدالله محمد المصری، حاضر العالم الاسلامی وقضایاه المعاصرة، ج 2، ص 423.
- 11- . مسعود ندوی، تاریخ الدعوة الاسلامیة فی الهند، ص 143-145.

می دهد و به آنان گوشزد می کند که اجماع صحابه، تابعین و تابع تابعین همگی بر منع تبعیت از قول غیر است. به همین دلیل اگر کسی از این ائمه اربعه تبعیت کند و توجهی به قرآن و سنت نداشته باشد به یقین مخالفت با اجماع امت کرده است. به علاوه، خود ائمه اربعه تقلید از خودشان و تقلید از دیگران را نهی می کردند و اگر بنا به تقلید باشد تقلید از صحابه و تابعین اولی از غیر آنان است. (1)

به عقیده دهلوی، علاج کار در تلفیق مذاهب و رجوع به سیره سلف است، بدین صورت که برای یافتن و فهمیدن احکام شرعی باید سنت نبوی را اصل، و فهم فقهای مذهب را فرع قرار داد. بر این اساس، باید فقه حنفی و شافعی، که بیشترین مقلدان را دارند، به حدیث نبوی عرضه شوند. هر یک از احکام که اصل روایی دارند ثابت می شوند و سایر احکامی که اصل روایی ندارند از درجه اعتبار ساقط می شوند. (2) وی برای مردم عادی مذهبی را پیشنهاد نمی کرد بلکه به نظر او این عده باید از عالم تقلید کنند و در صورت تقلید از عالم و خطای احتمالی عالم، شخص جاهل معذور است، اما اگر به این شیوه عمل نکنند معذور نیست. (3)

دهلوی مشکل را صرفاً در احکام فرعی نمی دید بلکه به عقیده او باید در علم کلام و تصوف بازنگری جدی صورت می گرفت، زیرا آمیخته شدن عقاید اسلامی با براهین یونانی و اشتغال قلوب مسلمانان به اعمال صوفیانه منجر به دوری آنها از سیره سلف، یعنی رجوع به کتاب و سنت، شده بود. (4)

با نظریه پردازی دهلوی و تلاش شاگردان و نوادگان دهلوی رویکرد حدیث گرایی در شبهه قاره هند نهادینه شد و کتب دهلوی در دیار هند نقش محوری ایفا کرد. (5)

گرایش به حدیث در شبهه قاره به قدری گسترش یافت که رفته رفته گوی سبقت را از سایر مناطق جهان اسلام ربود. به گفته رشید رضا، در قرن چهاردهم، یعنی زمانی که حدیث گرایی در مناطق مصر، شام، عراق و حجاز رو به افول بود، وضعیت به گونه ای شد که با اهتمام و تلاش علمای هند رویکرد حدیث گرایی در آن دیار رونق پیدا کرد. (6)

تأثیر پذیری دهلوی از ابن تیمیه فقط در مسائل اجتهادی نبود، بلکه او در مسئله توحید و شرک هم از ابن تیمیه تأثیر گرفته بود. او با توسعه معنای عبادت هر گونه ندادادن به غیر خداوند برای برآورده شدن حاجات را مصداق عبادت و به حکم آیه (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) کفر محض می دانست. (7) او سماع موتی را برای صوفیان، اولیای الهی و حتی برای انبیا ثابت نمی دانست (8) و با استناد به روایت بخاری درباره توسل عمر به عباس عمومی پیامبر \$، (9) توسل به ممات را نمی پذیرد و توسل را مختص به حال حیات می داند. (10)

دهلوی همانند ابن تیمیه مسلمانان زمان خود را با مشرکان زمان پیامبر \$ مقایسه می کرد. وی بسیاری از اعمال مسلمانان را به دلیل ناسازگاری با توحید عبادی رد می کرد (11) و بسیاری از اعمال صوفیان و مردم عوام همچون استغاثه، توسل و تبرک را شرک آمیز خواند. او مردم دوران خود را به این دلیل که از مردگان طلب حاجت می کردند نکوهش کرده و با کفر آمیز خواندن این کار احتراز از این گونه اعمال را واجب می دانست. (12)

دهلوی در باب «شد رحال» و سفر برای زیارت معتقد است مشرکان به مواضع متبرکه عزم سفر می کردند و به محض رسیدن به مقصد به بت های خود تقرب می جستند، لذا حضرت رسول اکرم \$ برای اینکه این رسم جاهلی رواج پیدا نکند و جلوی انحراف را بگیرد سفر به مواضع متبرکه به غیر از مساجد ثلاثه به قصد تبرک را منع کردند و فرمودند: «لا

تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ»؛ بار سفر بسته نمی شود

- 1- . احمد بن عبدالرحيم دهلوى، عقد الجيد فى أحكام الاجتهاد والتقليد، ص 14-15.
- 2- . همو، التفهيمات الالهية، ج 1، ص 212-213.
- 3- . همو، عقد الجيد فى أحكام الاجتهاد والتقليد، ص 30.
- 4- . همو، التفهيمات الالهية، ج 1، ص 82-83.
- 5- . كتانى، محمد عبدالحى، فهرس الفهارس والأبواب ومعجم المعاجم والمشيوخ والمسلسلات، ج 1، ص 178.
- 6- . فسنگ، مفتاح كنوز السنة، مقدّمه محمّد رشيد رضا و احمد شاکر، صفحه قاف.
- 7- . احمد بن عبدالرحيم دهلوى، تحفة الموحّدين، ص 11.
- 8- . همان، ص 22-23.
- 9- . «اللّهم إنّنا نتوسّل بنبينا فتسقينا، وإنّا نتوسّل إليك بعمّ نبينا فاسقنا»، محمد بن اسماعيل بخارى، صحيح البخارى، ج 2، ص 27، ح 1010.
- 10- . احمد بن عبدالرحيم دهلوى، البلاغ المبين، ص 16.
- 11- . همو، حجّة الله البالغة، ج 1، ص 116.
- 12- . همو، الخير الكثير، ص 105.

مگر به سوی سه مسجد [مسجد الحرام، مسجد النبی و مسجد الاقصی]. (1) به عقیده دهلوی، زیارت قبر و محل عبادت اولیای الهی و رفتن به کوه طور همگی مشمول روایت ناهیه نبوی می شود. (2) دهلوی حتی به نهی هم بسنده نمی کرد بلکه آن را از گناهان بزرگ می شمرد، اما از آنجا که نصّی از جانب شارع در این خصوص وارد نشده انجام دهندگان این اعمال را تکفیر نمی کرد. (3) بنابراین، یکی از مهم ترین اختلافات شاه ولی الله دهلوی با محمد بن عبدالوهاب، و به تبع آنها دیوبندیه با وهابیت، تکفیر نکردن مسلمانان به سبب این اعمال است. دیوبندیه به پیروی از شاه ولی الله قائل به تکفیر مسلمانان نیستند، ولی وهابیت با پیروی از محمد بن عبدالوهاب مسلمانان را کافر می دانند و دست به قتل مسلمانان می زنند، در حالی که شاه ولی الله هیچ گاه حکم به قتل مسلمانان نداده است و این از امتیازات تفکر شاه ولی الله و دیوبندیه است.

به عقیده دهلوی، ساخت مسجد بر قبور مسلمانان جایز نیست و چنین مسجدی را باید منهدم و زمینش را هموار کرد. همچنین تخریب قبه هایی که بر روی قبور بنا می شود واجب است، زیرا اساس این بناها بر عصیان از پیامبر\$ است و تخریب چیزی که بنای آن بر معصیت و مخالفت با رسول الله باشد از هدم مسجد ضرار مهم تر است. از این رو، پیامبر اکرم\$ به دلیل وجوب هدم چنین بناهایی بنای بر قبور را منع کرده و کسی را که بر قبوری مسجدی بنا کند لعنت کرده است. (4)

با بررسی دیدگاه های دهلوی می توان دریافت که او از ابن تیمیه بسیار تأثیر پذیرفته است، به طوری که این روش تا قبل از او در شبه قاره ماندی نداشته است. این تأثیرپذیری تا حدی است که می توان شاه ولی الله دهلوی را مروج تفکر ابن تیمیه در شبه قاره هند دانست.

تقابل دهلوی با مذهب شیعه

دهلوی شیعیان را به این دلیل که معتقدند صحابه نص خلافت امام علی% را کتمان کرده اند و از امر رسول اکرم\$ سرپیچی کرده اند اهل بدعت می داند. (5)

او مذهب شیعه را از مذاهبی می داند که بعد از خلافت عثمان و در زمانی که مسلمانان دچار افتراق شدند به وجود آمد و شیعه را در کنار خوارج، قدریه و مرجئه سرمنشأ سایر فرق و مذاهب باطل معرفی می کند. (6)

شاه ولی الله دهلوی معتقد بود خلیفه پیامبر باید افضل الناس باشد، لذا برای اثبات مدعای خود و رد اعتقاد شیعه در خصوص افضلیت علی الاطلاق امام علی% بعد از پیامبر اکرم\$ کتابی به نام قرّة العینین فی تفضیل الشیخین نوشت. دهلوی در این کتاب شیعیان را به سبب اینکه به گفته او به ثقه بودن قرآن اعتقاد ندارند و در ختم نبوت راه زندقه را در پیش گرفته اند فرقه ضاله می خواند. (7)

دهلوی کتاب دیگری با عنوان ازالة الخفاء عن خلافة الخلفاء در رد شیعه می نویسد که در واقع همان مطالب کتاب قرّة العینین با تفصیل بیشتر است. (8)

برخی معتقدند دهلوی در این دو کتاب متأثر از اندیشه ابن تیمیه در منهاج السنّه است و قصد داشته با تألیف این دو اثر خلافت ابوبکر را از طریق نص ثابت کند. (9)

محمود سعید ممدوح شافعی بعد از مطالعه عبارات دهلوی در این دو کتاب، کلام دهلوی را مصداق صریح نصب می داند. (10) رویکرد دهلوی در کتاب قرّة العینین، همانند ابن تیمیه در منهاج السنّه، سلب فضایل امام علی% بود و در این جهت به حدی افراط کرده است که وقتی از ابراهیم السقا، شیخ الجماعه در مصر، درباره کلام دهلوی می پرسند او در جواب تندی

- 1- . همو، مصفى شرح موطأ، ص88؛ همو، حجّة الله البالغة، ج1، ص122.
- 2- . همو، حجّة الله البالغة، ج1، ص325.
- 3- . همو، التفهيمات الالهية، ج2، ص45.
- 4- . احمد بن عبدالرحيم دهلوى، البلاغ المبين، ص18.
- 5- . همو، ازالة الخفاء عن خلافة الخلفاء، ج1، ذيل آيه هفتم از فصل سوم.
- 6- . همان، ج1، فصل پنجم.
- 7- . : شاه ولي الله دهلوى، قرة العينين فى تفضيل الشيخين، ص169-170، به نقل از: سيد مهدي على زاده موسى، نقد وهابيت و سلفى گرى، ج1، ص111.
- 8- . سيد جمال الدين هروى، حاشيه ازالة الخفاء عن خلافة الخلفاء، ج2، ص451.
- 9- . عبدالرحمن بن عبدالجبار فريوانى، «شيخ الاسلام ابن تيمية علومه ومعارفه فى شبه القارة الهندية»، مجلة البحوث الاسلامية، ش42، ص163.
- 10- . محمود سعيد بن محمد الممدوح، غاية التجليل وترك القطع فى التفضيل، ص248.

دهلوی را به سبب اینکه خلافت را از امام علی% نفی می کند از اهل سنت خارج می داند و به اهل بدعت ملحق می کند. در این باره علامه عبدالحلیم لکنوی پدر عبدالحی لکنوی و برخی دیگر از ائمه حدیث در هند که معاصر دهلوی بودند در رد او کتاب هایی نوشتند. (1)

مدرسه فکری شاه ولی الله دهلوی

شاه عبدالعزیز دهلوی، فرزند شاه ولی الله دهلوی، مهم ترین میراث دار مکتب فکری پدر بود، (2)

اما برخلاف پدر به تقلید از مذهب حنفی تمایل داشت و روش پدر را در زمینه اجتهاد قبول نداشت. بیشتر طرفداران مکتب فکری شاه ولی الله دهلوی از شاه عبدالعزیز تبعیت می کردند و مقلد مذهب حنفی بودند و با شعار مبارزه با بدعت و خرافات افکار ابن تیمیه را ترویج می کردند. در کنار اکثریت متمایل به تقلید از مذهب حنفی، برخی دیگر دوری از تقلید مذهب حنفی و گرایش به حدیث را برای خود برگزیدند. (3)

بنابراین، هم مقلدان و هم غیرمقلدان، خود را به شاه ولی الله دهلوی منسوب و از وی پیروی می کنند.

در دوره عبدالعزیز تفکر شیعه در شبه قاره هند بیشتر گسترش یافت. به گفته عبدالعزیز، مذهب شیعه دوازده امامی در شبه قاره هند به اندازه ای پیشرفت کرد که کمتر خانه ای یافت می شد که یک یا دو نفر از آن خانه به مذهب شیعه نگرویده باشند یا متمایل به تشیع نشده باشند. به همین دلیل، اهل سنت برای اینکه اصول مذهبی خود را منکر نشوند کتاب تحفة اثنی عشریة را علیه شیعه نگاشتند. این کتاب به این دلیل که به اختلافات شیعه و سنی در طول دوازده قرن بعد از پیامبر\$ می پردازد به تحفة اثنی عشریة نام گذاری شده است. (4)

شاه عبدالعزیز دهلوی با نوشتن کتاب تحفة اثنی عشریة گوی دشمنی با شیعه را از پدر خود ربود. او در این کتاب می گوید اگر کسی از عقاید شیعه پرده برداری کند در خواهد یافت که شیعه هیچ نصیبی از اسلام نبرده است و کفر آنان برایش نمایان می شود. (5)

رویکرد جهادی در مدرسه دهلوی

در اواخر قرن هیجدهم میلادی وضعیت شبه قاره به گونه ای شد که عملاً شیرازه حکومت مغول از هم پاشید، کمپانی هند شرقی (6) بر کل کشور هند مسلط شد و مهره های آن از سرداران و رؤسای قبایل در مصدر امور قرار گرفتند. (7)

در این زمان، جنبش شاه ولی الله به جنبشی اجتماعی - سیاسی و ضد استعماری بدل شد (8) و عبدالعزیز دهلوی در سال 1803 حکم معروف خود، یعنی جهاد مسلمانان علیه انگلستان، را صادر و اعلام کرد:

کشور اسلامی هندوستان با تسلط و سیطره انگلیس ها به دارالحرب تبدیل شده. لذا بر همه مردان و زنان مسلمان واجب است که آن قدر با آنها بجنگند و آنچه را با آنها قطع کنند که ناگزیر از هندوستان خارج شوند، زیرا انگلیسی ها دشمن و محارب مسلمانان اند. (9)

جوانان مسلمان هندی که حکومت اسلامی خود را از دست رفته می دیدند در صدد بازگرداندن حکومت برآمدند. در این میان، احمد بن عرفان، از شاگردان عبدالعزیز دهلوی، با توصیه استاد خود سپاهی برای مقابله و جهاد علیه انگلستان آماده کرد و شیخ عبدالحی بن هبة الله

- 1- . احمد بن محمد بن صدیق الغماری، علی بن ابی طالب إمام العارفين، ص 90.
- 2- . دیوید کامنیز، وهابیت و عربستان سعودی، ص 227-228.
- 3- . مسعود ندوی، تاریخ الدعوة الاسلامیة فی الهند، ص 190؛ صلاح الدین مقبول احمد، دعوة شیخ الاسلام ابن تیمیة وأثرها علی الحركات الاسلامیة المعاصرة وموقف الخصوم منها، ص 585.
- 4- . عبدالعزیز دهلوی، مختصر التحفة الاثنی عشریة، ص 12.
- 5- . همان، ص 300.
- 6- . East India Company
- 7- . ابوالحسن ندوی، آنگاه که نسیم ایمان وزید، ص 14.
- 8- . سید احمد موثقی، جنبش های اسلامی معاصر، ص 193.
- 9- . سید علی خامنه‌ای، مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، ص 156؛ عبدالمنعم النمر، تاریخ الاسلام فی الهند، ص 416.
- 10- . ابوالحسن ندوی، اذا هبت ریح الايمان، ص 15.

احمد عرفان بعد از سفر حج با هدف پایان دادن به حکومت انگلستان و نفوذ جماعت سیک و برگرداندن حکومت اسلامی در منطقه دست به حرکت جهادی می زند. (1)

او نخست بر شهر پنجاب تسلط می یابد و موفق می شود در ایالت مرزی پیشاور و اطراف آن بنای حکومت اسلامی را پایه ریزی و حدود شرعی را اجرا کند. (2)

احمد عرفان در شهر پیشاور خطبه می خواند و به زعم خود مردم را از بسیاری از شرکيات و محدثات پرهیز می دهد. نوع بیان و رفتار احمد عرفان به گونه ای بود که دعوتش را با دعوت محمد بن عبدالوهاب نجدی هم سو خواندند و به او لقب وهابی دادند. (3)

اما حکومت وی دیری نپایید و در 24 ذی القعدة سال 1246 ه.ق. (1831 م.) احمد بن عرفان به همراه شاه اسماعیل دهلوی و برخی دیگر از مجاهدان در درگیری با سیکها در منطقه بالاکوت (4)

به شهادت رسیدند و باقی مانده یاران وی به کوه ها متواری شدند، اما اثر آن در هندوستان به جا ماند. (5)

انقلاب مردم هندوستان علیه بریتانیا

حرکت جهادی احمد عرفان متوقف نشد (6) و شعله های جهادی آن انقلاب هندوستان را در سال 1857 شعله ور کرد. (7)

در سال 1274 ه.ق. (1857 م.) مردم هند به رهبری امرای مسلمان و چند تن از هندوها انقلاب خونینی به پا کردند. انقلابی ها موفق شدند دهلی را تصرف کنند و سراج الدین مظفر را به تخت امپراتوری هند نشانند، اما متأسفانه انگلیسی ها توانستند انقلابی ها را شکست دهند و در فوریه 1858 دهلی به دست انگلیسی ها فتح شد و انقلاب آنها در هم شکست. پس از شکست انقلاب، ملکه ویکتوریا هند را جزئی از امپراتوری بریتانیا اعلام کرد. (8)

انگلیسی ها بدین منظور در صدد بستن مدارس اسلامی که منبع سرشار فرهنگ و دانش هند بود برآمدند و اوقاف اسلامی را که بودجه این مدارس را تأمین می کرد در تصرف خود درآوردند. همچنین، ثروتمندانی را که به موجب احساسات مذهبی به این مدارس کمک مالی می کردند با تطمیع و تهدید از این کار منصرف کردند. در نتیجه، بسیاری از مدارس اسلامی بسته شد و به حالت تعطیل درآمد.

مهم ترین مسئله ای که باعث هراس انگلیسی ها شده بود مسئله جهاد بود. آنها در صدد بودند فکر جهاد را از میان مسلمانان به کلی برکنند. به همین منظور با مراجعه به برخی از علمای دست نشانده خود استفتائاتی دال بر مجاز نبودن جهاد صادر می کردند تا با این کار اثر فتوای عبدالعزیز دهلوی درباره وجود جهاد علیه انگلیس در سال 1803 را خنثا کنند. (9)

تأسیس مدرسه دارالعلوم دیوبند

وقایع پیش آمده موجب صف بندی میان اهل حدیث و پیروان مذهب حنفی در شبه قاره هند شد و تعصبات مذهبی را افزایش داد. (10) در این میان، نذیر حسین دهلوی، شاگرد محمد اسحاق دهلوی، (11)

رویکرد حدیث گرایی و دوری از تقلید را در پیش گرفت و مکتب اهل حدیث را تأسیس کرد. (12)

- 1- . محمد بن عبدالله السلیمان، دعوة محمد بن عبدالوهاب وأثرها فی العالم الاسلامی، ص 78.
- 2- . ابوالحسن ندوی، آنگاه که نسیم ایمان وزید، ص 7.
- 3- . همو، اذا هبت ریح الایمان، ص 18.
- 4- . balakot.
- 5- . همان، ص 8.
- 6- . ابوالحسن ندوی، اذا هبت ریح الایمان، ص 9.
- 7- . همو، المسلمون فی الهند، ص 179.
- 8- . آیت الله سید علی خامنه‌ای، مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، ص 13.
- 9- . همان، ص 33.
- 10- . صلاح الدین مقبول احمد، دعوة شیخ الاسلام ابن تیمیة وأثرها علی الحركات الاسلامیة المعاصرة وموقف الخصوم منها، ص 585-586.
- 11- . عبدالغنی مجددی و محمد اسحاق دهلوی هر دو از شاگردان عبدالعزیز دهلوی به شمار می آیند.
- 12- . مسعود ندوی، تاریخ الدعوة الاسلامیة فی الهند، ص 190-192. گرچه در ترویج این مذهب، به غیر از مدرسه حدیثی شاه ولی الله، صدیق حسن خان قنوجی از شاگردان حسین بن محسن سبعی یمنی تلمیذ شوکانی در هندوستان تأثیر بسزایی داشت و از او آثار بسیاری در این زمینه بر جای مانده است.
- 13- . عبدالحی الحسنی، الثقافة الاسلامیة فی الهند، ص 141.

در صدد تقویت مذهب حنفی برآمدند و با شعار مبارزه با بدعت و خرافات و تقویت روحیه جهاد به تربیت نسل جوان با برنامه‌ای مستقل و به دور از گرایش به استعمار پرداختند و راه جدیدی ایجاد کردند. نخستین مدرسه‌ای که با الهام از این طرز تفکر به وجود آمد مدرسه دارالعلوم دیوبند(1) بود. کار تدریس در این مدرسه با یک دانشجو به نام محمود حسن و یک استاد به نام مولوی قاری محمود در سایه درختی در مسجد تثنی در سال 1283 ه.ق. (1867 م.) و با نظارت رشید احمد گنگوهی آغاز شد.(2)

در سال 1879 در اواخر حیات ملا- محمد قاسم نانوتوی سرپرست دارالعلوم، دوازده مدرسه دیوبندی در مناطق مختلف هند فعال بود.(3)

یکی از مراکز وابسته مدرسه مظاهرالعلوم در سهارنپور بود که شش ماه بعد از تأسیس دارالعلوم دیوبند بنا نهاده شد. ملا رشید احمد که پس از نانوتوی سرپرستی این مرکز را بر عهده گرفت تأثیرات بسیاری بر ساختار آن گذاشت، به طوری که در دوره ریاست وی گرایش‌های صوفیانه بیشتری در این مرکز رواج یافت. پس از او ریاست مدرسه به محمود الحسن رسید.

محمود الحسن مدیری کوشا و پرکار بود و در دوره چهل ساله مدیریتش بر این مرکز تمام اهتمام خود را صرف ترویج علوم دینی و ارتقای جایگاه علمی مدرسه و توسعه آن از راه ایجاد شعبه‌های وابسته در شبه قاره کرد. از همین زمان بود که این مرکز تعلیمی توانست با جذب دانشجویانی از سراسر شبه قاره و کشورهای پیرامون نظیر افغانستان، ایران، آسیای میانه، عربستان، یمن، برمه، اندونزی، مالزی، ترکیه و حتی کشورهای آفریقایی به بزرگ‌ترین مرکز نشر اندیشه اسلامی در شرق جهان اسلام بدل شود، به طوری که در سایه مدیریت محمد الحسن دیوبند به شهرت جهانی نائل شد و در رتبه‌ای پس از دانشگاه الأزهر در جهان اهل سنت قرار گرفت.(4)

این وضعیت به نحوی ادامه یافت که در سال 1967 هنگامی که دیوبندی‌ها صدمین سال تأسیس دارالعلوم را جشن می‌گرفتند در سراسر آسیای جنوبی حدود نُه هزار مدرسه علمیه داشتند(5)

و این تعداد تا اواخر قرن بیستم به حدود ده هزار مدرسه ارتقا یافت.(6) همچنین، تعداد فارغ‌التحصیلان مدارس دیوبندی به حدی رسید که طبق گفته محمدتقی عثمانی، رئیس دارالعلوم کراچی، در مقدمه کتاب علماء دیوبند عقیده و منهجاً تعداد آنان به بیش از یکصد هزار نفر رسید.(7)

اندیشه‌های دیوبندیه

علمای دیوبند برای شناساندن عقاید و منهج عملی مدارس خود دست به نشر تألیفاتی در این خصوص زده‌اند. یکی از این آثار کتاب علماء دیوبند عقیده و منهجاً اثر قاری محمد طیب، رئیس سابق دارالعلوم دیوبند، است. او در این کتاب به تشریح منهج و اعتقادات علمای دیوبند پرداخته است. پیش از وی، ملا خلیل احمد سهارنپوری نیز با نگارش کتاب المهند علی المهند به تشریح عقاید علمای دیوبند پرداخته بود.

دیوبندیان، همان‌طور که در فقه پیرو مذهب حنفی هستند، در کلام نیز از افکار ملا محمد قاسم نانوتوی (متوفای 1297 ه.ق.)، مؤسس دارالعلوم دیوبند، متأثرند.(8) به نظر وی، اختلافی بین ابوالحسن اشعری و ابومنصور ماتریدی در مسائل کلامی وجود ندارد و اختلافات این دو عالم در مسئله ایمان، حسن و قبح، قدرت انسان و برخی مسائل دیگر تماماً صوری است. قاری محمد طیب، مدیر دارالعلوم، در این باره می‌نویسد:

- 1- . این شهر در 90 مایلی شمال دهلی و از شهرهای ایالت سهارنپور است.
- 2- . آیت الله سید علی خامنه‌ای، مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، ص 42-46؛ عبدالغنی عماد، الحركات الإسلامية في الوطن العربي، ج 1، ص 847.
- 3- . احمد رشید، طالبان: اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید، ص 144.
- 4- . علی ناظمیان فرد، دار العلوم دیوبند، زمینه‌ها و راهبردها، ص 137-139.
- 5- . احمد رشید، طالبان: اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید، ص 144.
- 6- . نک.: عبدالرحیم علی، حلف الارهاب تنظیم القاعدة من عبدالله عزام إلى أيمن الظواهري، ج 2، ص 100.
- 7- . قاری محمد طیب، علماء دیوبند عقیدةً ومنهجاً، ص 14.
- 8- . همان، ص 205.

در عرف علمای دیوبند این گونه مشهور است که ماتریدی هستند، اما جماعتی در بین آنان موجود است که به دلایلی خود را اشعری می دانند، اما احسن وجه این است که علمای دیوبند را ماتریدی مایل به اشعری حساب آورد و اختلافات بین اشعری و ماتریدی همگی اختلافات صوری هستند. این شیوه توفیق بین مذهب اشعری و ماتریدی را دیوبندیان از شیخ نانوتوی اخذ کرده اند. (1)

چنین تصریحاتی از علمای دیوبند حاکی از آن است که آنان نه در مسائل کلامی و نه در مسائل فقهی سلفی نیستند، (2) زیرا در مسائل فقهی مقلد امام ابوحنیفه هستند و در مسائل کلامی پیرو ماتریدیه و اشاعره و آرای این دو مکتب را بر فهم سلف مقدم می دارند. علاوه بر این، دیوبندیان در مسائل کلامی رویکردی عقلی دارند که با ظاهرگرایی سلفیه سازگاری ندارد. (3)

گرایش های فکری دیوبندیه

ورود اندیشه ابن تیمیه حرّانی، ابن قیم جوزیه و شوکانی به شبه قاره هند از طریق برخی از پیروان فکری آنان، همچون شاه ولی الله دهلوی و جماعت اهل حدیث و تأثیرپذیری شاه اسماعیل دهلوی از اندیشه محمد بن عبدالوهاب و انتشار کتاب تقویة الایمان، که طبق گفته برخی ترجمه اردوی کتاب التوحید محمد بن عبدالوهاب است، پرسش هایی را در حوزه توحید و شرک مطرح کرد که پاسخ به آنها باعث ایجاد شکاف در بین صفوف دیوبندیان شد، تا حدی که به تکفیر و مشرک دانستن یکدیگر انجامید. نزدیکی به افکار وهابیان یا دوری از آنها دیوبندیان را به دو گروه حیاتی (مخالفان تفکرات وهابیت) و مماتی (مدافعان تفکر وهابیت) تقسیم کرد، و گرچه تعداد حیاتی ها بیشتر از مماتی ها است، اما متأسفانه مماتی ها از طرف عربستان و وهابیت حمایت می شوند.

گرایش «حیاتی»

بیشتر علمای دیوبند معتقدند پیامبر اکرم \$ در قبر شریفشان زنده اند و حیاتشان مثل حیات دنیوی اما بدون تکلیف خاصی است. آنها معتقدند این نوع از حیات مختص به پیامبر \$ و تمام انبیا است، برخلاف حیات انسان های دیگر که صرفاً به صورت حیات برزخی است. دیوبندیان شاهد این مطلب را نماز حضرت موسی در قبر می دانند، زیرا نماز خواندن لازمه حیات جسمانی است. بنابراین، حیات پیامبر \$ در عالم برزخ نیز همانند حیات دنیوی است. (4) به آن دسته از علمای دیوبند که چنین اعتقادی دارند «حیاتی» گفته می شود و می توان گفت بیشتر علمای دیوبند چنین رویکردی دارند. ملا محمد قاسم نانوتوی از بزرگان دیوبند درباره این مسئله و در اثبات چنین اعتقادی کتابی با عنوان آب حیات نگاشته است. رشید احمد گنگوهی هم در دو کتاب هدایة الشیعة و رسالة الحج صراحتاً به چنین حیاتی برای پیامبر اکرم \$ قائل شده است. (5)

در صورت اعتقاد به چنین حیاتی برای پیامبر اکرم \$ عملاً هیچ مشکلی برای قائل شدن به سماع حضرت وجود نخواهد داشت. بر همین اساس، دیوبندیان حیاتی، مانند قاضی مظهر حسین دیوبندی، حیات انبیا را به گونه ای می دانند که سلام زائران را می شنوند و خاک و دیوار مانع سماع آنها نمی شود. (6) حتی اگر صدای زائران ضعیف باشد پیامبر \$ می تواند آن را بشنود. (7)

و اگر سلام زائر از راه دور باشد ملائکه سلام زائران را به ایشان می رسانند. (8)

این طیف از علمای دیوبند توسل را قبول دارند و خود پیوسته به اولیای کرام و انبیای عظام متوسل می شوند و اتباعشان را به این کار ترغیب می کنند. شیخ نانوتوی قصیده ای طولانی در توسل به مشایخ سلسله چشتیه سروده که در کتاب امداد السلوک آمده است. رشید احمد گنگوهی با عبارت «الهی

-
- 1- . همان، ص 211 و ص 206.
 - 2- . شمس الدين افغانى، عدااء الماتريديه للعقيدة السلفية، ص 413.
 - 3- . همان، ص 206-208.
 - 4- . خليل احمد سهارنپورى، المهتد على المفند، ص 44.
 - 5- . حسين احمد مدنى، الشهاب الثاقب على المسترق الكاذب، ص 45.
 - 6- . سيد طالب الرحمن، الديوبنديه تعريفها عقائدها، ص 199.
 - 7- . محمد عاشق الهى ميرتهى، تذكرة الخليل، ص 206، به نقل از: سيد طالب الرحمن، الديوبنديه تعريفها عقائدها، ص 200.
 - 8- . اشرفعلى تهانوى، نشر الطيب، ص 147.
 - 9- . حسين احمد مدنى، الشهاب الثاقب على المسترق الكاذب، ص 56.

در حال حیات و بعد از ممات نمی بینند. لذا به عقیده آنان شخص توسل کننده می تواند در دعایش بگوید «اللهم انی اتوسل الیک بفلان» آن تجیب دعوتی و تقضی حاجتی». شاه محمد اسحاق دهلوی و مهاجر مکی و رشید احمد گنگوهی بر این مطلب تصریح کرده اند. (1)

مناظر احسن گیلانی، شاگرد انور شاه کشمیری و شبیر احمد عثمانی، دیدگاه علمای دیوبند در مسئله استغاثه به ارواح اولیای الهی بعد از ممات را همان دیدگاه علمای اهل سنت می داند، زیرا به گفته او چنان که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده ملائکه اش را برای یاری بندگانش می فرستد، چه مانعی دارد که قدرت الهیه بر این ارواح طیبه تعلق گیرد و به فریادرسی مؤمن مضطر برسد. هیچ آیه و حدیث نبوی این مسئله را رد نمی کند. (2)

در الفتاوی الامدادیه نیز آمده است که استعانت به ارواح مشایخ امری ثابت نزد صاحب کشف ارواح است. (3) مناظر احمد گیلانی استغاثه به ارواح اولیای الهی را جایز می داند. (4) خلیل احمد سهارنپوری نیز استفاده از ارواح مشایخ بزرگ و وصول به فیوض باطنیه آنها، چه از صدور آنان و چه از قبور آنان، را برای خواص و کسانی که اهلیت آن را دارند جایز دانسته است ولی نه به صورتی که بین عوام شایع شود. (5)

بنابراین، می توان گفت دیوبندیان حیاتی، از نظر اعتقادی، اختلافات و تفاوت های بسیاری با وهابیت دارند. به نظر علمای وهابی، بسیاری از علمای دیوبندی مشرک و بدعت گذارند، زیرا به توسل، استغاثه و سایر امور مربوط به استعانت از ارواح اولیای الهی اعتقاد دارند.

گرایش «مماتی»

در میان نسل دوم دانش آموختگان مدرسه دارالعلوم دیوبند و در ایالت پنجاب پاکستان، حسین علی میانوالی، شاگرد رشید احمد گنگوهی، (6) در حیات علمی اش بیشترین تأثیر را از اندیشه شاه اسماعیل دهلوی پذیرفته بود و روش خاصی را در تفسیر قرآن با محوریت توحید شروع کرد که نتیجه آن مشرک دانستن مسلمانان و کافر خواندن مردم بود. حسین علی مردم را به رد استغاثه به غیر الله و علم غیب برای پیامبر اکرم \$ دعوت می کرد. (7)

نگرش او در مسئله توحید به نحوی بود که طبق گفته مولانا احمد علی لاهوری مردم پنجاب او را وهابی خطاب می کردند. میانوالی به شدت با مردم رفتار می کرد و برخی از علمای حنفی مدافع استغاثه و توسل را تکفیر می کرد. حسین علی میانوالی قریب به 40 سال برای ترویج اندیشه خود به تدریس و تربیت شاگردان پرداخت و تعدادی از علمای هندوستان، پاکستان، مالزی، اندونزی، آفریقا، افغانستان و ایران از وی تأثیر پذیرفتند. (8)

از برجسته ترین شاگردان حسین علی، که روش فکری و تفسیری او را ادامه داد، غلام الله خان بود که کتاب تفسیری وی با نام جواهر القرآن به نحوی تقریرات درس تفسیر حسین علی میانوالی به شمار می رود. (9)

غلام الله خان دیوبندی پاکستانی در تفسیر خود به مقابله با برخی از علمای دیوبندی و بریلوی پرداخته، کارهای آنان را شرک آلود می خواند. این تفکر در مقابل رویکرد جمهور دیوبندیه قرار گرفت و جمهور دیوبندیان در صدد رد آن برآمدند. در این خصوص شیخ عبدالشکور کتاب هدایة الحیران فی جواهر القرآن را در رد عقاید غلام الله خان نوشت و اندیشه غلام الله خان را همانند استادش حسین علی میانوالی خروج از اندیشه دیوبندیان دانست. (10) شمس الدین افغانی غلام الله خان را از معدود علمای دیوبندی معرفی می کند که از دعوت محمد بن عبدالوهاب تأثیر پذیرفت و در برابر برخی از اعتقادات دیوبندیان و بریلویان ایستادگی کرد. در مقابل، دیوبندیان نیز چون عقاید او را در مقابل جمهور دیوبندیان دیدند، افکارش را به عقاید وهابیت ملحق کردند. (11)

- 1- . خليل احمد سهارنپورى، المهتد على المفتد، ص38.
- 2- . مناظر احسن گيلانى، سوانح قاسمى، ج1، ص322، به نقل از: سيد طالب الرحمن، الديوبنديه، ص77.
- 3- . امداد الله مهاجر مكى، الفتاوى الامدادية، ج4، ص104، به نقل از: سيد طالب الرحمن، الديوبنديه، ص78.
- 4- . مناظر احسن گيلانى، سوانح قاسمى، ج1، ص322، به نقل از: سيد طالب الرحمن، الديوبنديه، ص69.
- 5- . خليل احمد سهارنپورى، المهتد على المفتد، ص55.
- 6- . محمد يوسف حسيني بنورى، تكملة البنورى لفقہ أهل العراق للكوثرى، ص80.
- 7- . عبدالحى بن فخرالدين حسنى طالبى، نزہة الخواطر وبهجة المسامع والنواظر، ج8، ص1217.
- 8- . سجاد بخارى، مقدّمه جواهر القرآن، ص5.
- 9- . عبدالعلى دامنى، بلوچستان در آيينه تاريخ، ص523.
- 10- . شمس الدين بن محمد افغانى، جهود علماء الحنفية فى إبطال عقائد القبورية، ج2، ص779.
- 11- . همان، ج2، ص779.

از میان شاگردان غلام‌الله خان، عبدالغنی جاجروی جایگاه ویژه ای داشت. نقل شده که غلام‌الله خان می‌گفت «من بیشتر از همه شاگردانم به مولانا عبدالغنی اعتماد دارم؛ مطمئنم بعد از من سلسله درس تفسیر را همانند من برگزار خواهد کرد». رابطه او با استادش آن قدر صمیمانه بود که اهل علم رابطه آن دو را به رابطه ابویوسف با ابوحنیفه و ابن‌قیم با ابن‌تیمیه قیاس کرده اند. (1)

از دیگر شاگردان حسین علی میانوالی، محمد طاهر بن آصف پنج‌پیری (متوفای 1407) متولد منطقه پنج‌پیر ولایت سرحد پاکستان است که نزد میانوالی درس خواند و سپس به حجاز رفت. او بعد از بازگشت از عربستان در سال 1357 ه.ق. «جماعة اشاعة التوحيد والسنة» را تأسیس کرد. (2) جماعت اشاعة التوحيد از شاخه‌های مسلک دیوبندیه است که در بحث توحید و شرک تفکرات نزدیک به وهابیت را در شبه‌قاره هند ترویج می‌کند. (3)

محمد طاهر پنج‌پیری و جماعت وی در موضوع توحید الوهی متأثر از تفکرات ابن‌تیمیه، ابن‌قیم جوزیه و محمد بن عبدالوهاب هستند و دیوبندیان آنان را به وهابیت ملحق می‌کنند. (4) محمد طاهر با این اندیشه شاگردان بسیاری را در مناطق پشاور پاکستان و افغانستان تربیت کرد. شاگردان این مکتب در اواخر عمر محمد طاهر حدود سه هزار نفر بودند. بعد از وفات او محمد طیب طاهری با در دست گرفتن زعامت این جماعت کرسی درس پدر را ادامه داد و تعداد دانش‌آموختگان این مکتب به شش هزار نفر رسید. (5)

گرچه خود محمد طاهر در کتاب نیل السائرین تصریح دارد که حدود چهل هزار نفر از کرسی درس وی بهره‌برده اند. (6)

شمس‌الدین محمد افغانی، که خود قبلاً در این جماعت بوده و از شاگردان محمد طاهر محسوب می‌شود، این گروه از دیوبندیه را از نزدیک‌ترین گروه‌ها به وهابیت در باب توحید می‌خواند. (7)

محمد طاهر پنج‌پیری، همانند محمد بن عبدالوهاب، کفر و شرک مسلمانان اهل زمانه خود را از شرک عرب‌های دوران جاهلیت بدتر می‌دانست. (8)

و به صرف این ادعا که مشرکان زمان پیامبر \$ خداوند را فقط در شداوند ندا می‌دادند اما مشرکان زمان ما در همه امور غیر الله را ندا می‌دهند، آنها را از مشرکان زمان پیامبر \$ بدتر می‌دانست. (9)

با این حال، «پنج‌پیری» یا «اشاعة التوحيد والسنة» همه از صوفیان نقش‌بندی مسلک بودند. (10)

و به همین دلیل به شاگردان خود توصیه می‌کردند وارد طرق تصوف شوند. (11)

این گروه همانند سایر گروه‌های دیوبندیه در باب صفات الهی پیرو اندیشه ماتریدی هستند، در مدارس خود کتب ماتریدیان را تعلیم می‌دهند و در مسائل فقهی حنفی مذهب اند. آنها در پیروی از مذهب خود تعصب دارند، عدول از مذهب حنفی به مذاهب فقهی دیگر را جایز نمی‌دانند. (12)

و در این مسئله با جماعت غیرمقلد و اهل حدیث در مناطق خود رابطه خصمانه‌ای دارند، به طوری که آنها را برادران قادیانیه خطاب می‌کنند. (13)

تفکرات دیوبندی‌های «مماتی»

برخلاف دیوبندی های حیاتی که قائل به حیات دنیوی و عنصری برای پیامبر اکرم \$ و سایر انبیا هستند، دیوبندی های مماتی این اندیشه را نپذیرفته اند و حیات انبیا را صرفاً حیات برزخی قلمداد می کنند که هیچ ارتباطی با دنیا ندارند. غلام الله خان در تفسیر آیه (فَأَمَّا اللَّهُ مَنَّ عَامِ ثُمَّ

ص: 19

- 1- . عبدالغنی جاجروی، گزیده مقدمه کتاب التوحید، ص 19.
- 2- . محمد خیر بن رمضان بن اسماعیل یوسف، تکملة معجم المؤلفین، ص 723-724.
- 3- . شمس الدین بن محمد افغانی، عداء الماتریدیة للعقیده السلفية، ج 1، ص 291-292.
- 4- . همو، جهود علماء الحنفية فی إبطال عقائد القبورية، ج 2، ص 772 و 780.
- 5- . محمد خیر بن رمضان بن اسماعیل یوسف، تکملة معجم المؤلفین، ص 723-724.
- 6- . محمد طاهر پنج پیری، نیل السائرین فی طبقات المفسرین، ص 451.
- 7- . <http://www.dorar.net>.
- 8- . محمد طاهر پنج پیری، البصائر للمتوسلین بأهل المقابر، ص 85، به نقل از: شمس الدین بن محمد افغانی، جهود علماء الحنفية فی إبطال عقائد القبورية، ج 2، ص 1192.
- 9- . محمد طاهر پنج پیری، ضیاء النور من احياء السنة لدحض الفجور وامامة البدعة، مقدمه ناشر، ص الف.
- 10- . شمس الدین بن محمد افغانی، جهود علماء الحنفية فی إبطال عقائد القبورية، ج 2، ص 782.
- 11- . همان، ج 2، ص 783.
- 12- . همان، ج 2، ص 804.
- 13- . مجموعة من الباحثين بإشراف الشيخ علوی بن عبدالقادر السقاف، موسوعة الفرق المنتسبة للإسلام، موقع الدرر السنية على الانترنت .dorar.net

بَعَثَهُ (1) قائل است که ارواح انبیا در بدن هایشان بعد از موتشان وجود ندارد و موت آنان به نحو حقیقی بوده و حیاتشان در قبور به نحو حیات برزخی است نه دنیوی و ناسوتی؛ لذا انبیا نه از اتفاقات اطراف خود خبری دارند و نه کلام بندگان را می شنوند. (2)

مماتی ها، که به پنج پیری ها مشهورند، درباره حدیث متفق علیه بخاری و مسلم - «إِن المیت لیسمع قرع نعالمهم» - (3)

و همچنین حدیث «قلیب بدر» (4) و احادیث دیگر که دلالت بر شنیدن اموات در قبر دارد، قائل اند که این روایات از اخبار آحاد و ظنی الصدور هستند و مدلول آنها با آیات قطعی الصدور دال بر نشنیدن اموات مخالف است. این روایات حتی به فرض قبول هم ظنی هستند و ظنیات در مباحث اعتقادی هیچ اعتباری ندارند. (5)

در بحث توسل نیز محمد طاهر پنج پیری با نگاشتن کتاب البصائر للمتوسلین بالمقابر عمل توسل کنندگان به انبیا و اولیا را تبیح می کند و مسلمانان زمان خود را مشرک خطاب می کند. (6) در مقابل، شیخ حمدالله داجوی، از علمای دیوبند و از مدرسان مدرسه مظاهرالعلوم سهارنپور، با نگارش کتاب البصائر لمنکری التوسل بأهل المقابر به رد معتقدات پنج پیری در انکار توسل به ذوات مقدسه و سماع موتی می پردازد. (7)

همچنین، غلام الله خان، از قول حسین علی میانوالی، ذیل آیه (وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ) (8) آورده است:

اگر کسی انبیا، ملائکه و اولیای الهی را همانند خداوند عالم الغیب، حاضر و ناظر، کارگشا، متصرف و مختار یا مستحق نذر و نیاز بداند این همان شرک است. عابدان قبور کسانی را شامل می شود که برای قبور خود نذر می کنند و به نفع و ضرر از جانب اهل قبور خود اعتقاد دارند؛ امروزه تعداد این افراد از تعداد مورچگان عالم بیشتر است. (9)

تقابل دیوبندیه با اهل حدیث

اختلاف دیوبندیه با اهل حدیث بیشتر در روش اجتهادی آنها است. دیوبندیه تقلید از فقه حنفی را لازم و ضروری می دانند و معتقدند مجتهد مطلق بعد از ائمه اربعه نیامده است که بتوان از او تقلید کرد. ولی اهل حدیث که به غیر مقلدها مشهورند مشکل را در خود تقلید می دانستند و رویکرد اجتهادی را برگزیدند. (10) اشرف علی تهانوی درباره اختلاف دیوبندیه با غیر مقلدان می گوید:

اختلاف ما با اهل حدیث فقط در جزئیات و فروع نیست، بلکه در اصول هم اختلاف وجود دارد. زیرا این عده سلف صالح به خصوص ابوحنیفه را طعن و تشنیع می کنند، عمر بن خطاب را به سبب نماز تراویح بدعت گذار می نامند، مقلدان را مشرک نامیده اند، خود را موحد می نامند و تقلید از ائمه اربعه را از رسومات جاهلیت می دانند. (11)

اهل حدیث هند، به پیروی از نذیر حسین دهلوی، صدیق حسن خان قنوجی، شیخ فاخر بن یحیی اله آبادی و اتباعشان به حرمت تقلید، و جوب اتباع از صریح قرآن و سنت و ابطال حجیت قیاس و اجماع معتقد بودند. در این بین گروه دیگری از غیر مقلدها پدیدار شدند که جانب افراط را در پیش گرفتند، در حرمت تقلید مبالغه کردند، جماعت مقلد را اهل بدعت معرفی کردند و از ائمه مذاهب از جمله ابوحنیفه بدگویی می کردند. شیخ عبد الحق بن فضل الله بنارس و شیخ عبدالله صدیقی اله آبادی و اتباعشان در زمره جماعت سوم از غیر مقلدان به شمار می رفتند. (12)

- 1- . بقرة: 259.
- 2- . غلام الله خان، جواهر القرآن، ج1، ص127.
- 3- . محمد بن اسماعيل بخارى، صحيح بخارى، ج2، ص190؛ مسلم بن حجاج نيشابورى، صحيح مسلم، ج4، ص2200.
- 4- . محمد بن اسماعيل بخارى، صحيح بخارى، ج5، ص77؛ مسلم بن حجاج نيشابورى، صحيح مسلم، ج4، ص2203.
- 5- . شمس الدين بن محمد افغانى، جهود علماء الحنفية فى إبطال عقائد القبورية، ج2، ص884.
- 6- . حمدالله داجوى، البصائر لمنكرى التوسل بأهل المقابر، ص3.
- 7- . سيد مرتضى رضوى، صفحة عن آل سعود الوهابيين وآراء علماء السنّة فى الوهابية، ص129.
- 8- . يوسف: 106.
- 9- . غلام الله خان، جواهر القرآن، ج2، ص542.
- 10- . عبدالوهاب خليل الرحمن، الدعوة السلفية فى شبه القارة الهندية، ص351.
- 11- . اشرفعلى تهانوى، امداد الفتاوى، ج4، ص562.
- 12- . عبدالحي حسنى، الثقافة الاسلامية فى الهند، ص103-104.

انورشاه کشمیری از علمای دیوبند معتقد بود خداوند او را در این عصر خلق کرده تا مذهب حنفیت را تقویت، و قواعد آن را استوار کند. لذا به گفته خود، مذهب حنفیت را آنچنان استحکام داده که پایه های آن تا یکصد سال متزلزل نخواهد شد. (1)

تقابل دیوبندیه با بریلویه

بریلویه طریقتی از صوفیان شبه قاره هند است که نام آن از نام مؤسسش احمد رضاخان بریلوی گرفته شده است. احمد رضاخان از بزرگان صوفی و از طریقت قادریه بود و برای مخالفت با دیوبندیه و اهل حدیث، خودش را «عبدالمصطفی» نامید و در آثار و مکتوباتش به این اسم ملتزم بود. (2) تألیفات احمد رضاخان را بیش از هزار اثر ذکر کرده اند که اغلب آنها رساله های کوچک در موضوعات بسیار متنوع است. (3) احمد رضاخان تقابل بسیاری با دیوبندیه داشت و با اینکه با استعمار انگلیس به شدت مخالف بود در برابر فتوای عبدالعزیز دهلوی که هند را دارالحرب نامید به مقابله پرداخت و با نوشتن رساله ای به نام «إعلام الأعلام بأنّ هندوستان دار الاسلام هندوستان را دارالاسلام نامید. (4)

از مهم ترین آثار وی می توان به کتاب حسام الحرمین اشاره کرد. او در این کتاب جماعت غیر مقلد، مانند نذیر حسین دهلوی، و همچنین بزرگان دارالعلوم دیوبند، همچون ملا محمد قاسم نانوتوی و اتباع رشید احمد گنگوھی، را به طور کلی تحت عنوان وهابی خطاب قرار می دهد و لبه تیز حملات خود را متوجه علمای دیوبند می کند. او در این کتاب شیخ نانوتوی، مؤسس دارالعلوم، را منکر خاتمیت نبی اکرم \$ معرفی می کند و می گوید گنگوھی شیطان را عالم تر از پیامبر اکرم \$ می داند. وی با ذکر عبارتی از اشرفعلی تهانوی در رساله حفظ الایمان (5) درباره علم غیب پیامبر \$، معتقد است تهانوی تصریح کرده که علم غیبی که پیامبر \$ دارد برای هر صبی و مجنون حاصل می شود و حتی هر حیوان و بهمیهای می تواند بدان دست یابد. احمد رضاخان بعد از نقل این عبارات، به حکم اجماع مسلمانان، تمام علمای اهل حدیث و دیوبندیه را کفار مرتد و خارج از اسلام معرفی می کند. (6)

در مقابل، حسین احمد مدنی با نگارش کتاب الشهاب الثاقب علی المسترق الكاذب و خلیل احمد سهارنپوری با تألیف کتاب المهنّد علی المفنّد به تشریح عقاید علمای دیوبند می پردازند و با نفی عقاید وهابیت خود را اهل سنت و جماعت معرفی می کنند و شبهاتی را که احمد رضاخان مطرح کرده بود جواب می دهند.

تقابل دیوبندیه با وهابیت

وهابیان به سبب ویران کردن بقعه های متبرک اهل بیت (و صحابه در نظر عموم مسلمانان به چهره ای منفور تبدیل شدند. استعمار پیر انگلیس از این فرصت استفاده کرد و برای اتهام زنی به جریان های جهادی شبه قاره هند، مانند قیام احمد بن عرفان، از کلمه وهابی استفاده کرد و این قیام را قیام وهابی ها معرفی کرد تا بتواند آنان را شکست دهد. (7) اگرچه در افکار احمد عرفان رگه هایی از تفکرات ابن تیمیه وجود داشت و شباهت های این دو تفکر بسیار است اما اختلافات این دو گروه نیز کم نیست.

بعد از تأسیس مدرسه دارالعلوم دیوبند اتهام وهابی گری به این مدرسه نیز زده شد، زیرا دیوبندیه تحت تأثیر شاه ولی الله دهلوی برخی از عقاید ابن تیمیه را ترویج می کردند. همین مسئله باعث شد علمای مذاهب اربعه مکه و مدینه درباره انتساب آنها به وهابیت بپرسند. ملا خلیل احمد سهارنپوری به نمایندگی از علمای دارالعلوم دیوبند جزوه ای تألیف کرد و در آن گفت که ما از اهل سنت و جماعت هستیم و با برخی از مواردی که به عنوان عقاید وهابیت در قالب پرسش مطرح کرده اید مخالفیم. (8)

- 1- . صلاح الدين مقبول احمد، دعوة شيخ الاسلام ابن تيمية وأثرها على الحركات الاسلامية المعاصرة وموقف الخصوم منها، ص 589.
- 2- . احسان الهى ظهير، البريلوية عقائد وتاريخ، ص 13.
- 3- . همان، ص 29.
- 4- . همان، ص 40.
- 5- . اشرفعلى تهانوى، حفظ الايمان مع بسط البنان وتغيير العنوان، ص 8.
- 6- . احمد رضا بريلوى، حسام الحرمين، ص 56-64.
- 7- . عبدالرحمن چابهارى، مقدمه عقايد اهل سنت و جماعت در رد وهابيت و بدعت، ص 37-39.
- 8- . همان، ص 10.

این جوابیه به امضای تمام مشاهیر آن زمان دیوبند، مثل شیخ الہند مولانا محمود الحسن، حکیم امت اشرفعلی تھانوی، شاہ عبدالرحیم رائپوری، مولانا عزیزالرحمن، مفتی اعظم، و مولانا مفتی کفایت اللہ دہلوی در ہند رسید و برای علمای حرمین ارسال شد. این مکتوب در سال 1325 ه.ق. در قالب کتابی به نام المہتد علی المفتمد بہ چاپ رسید و در کشور ہند منتشر شد. (1) خلیل احمد در این کتاب آورده است:

من بہ صراحت می گویم کہ نہ محمد بن عبدالوہاب و نہ ہیچ کدام از پیروان و ہواداران او در ہیچ یک از سلاسل علمی یا فقہی و حدیث و تفسیر و تصوف جزء مشایخ ما نیستند. آنان گروہی هستند کہ از نجد بیرون آمدند و بر حرمین شریفین غالب شدند. آنان خود را حنبلی می نامیدند ولی عقیدہ داشتند کہ فقط خود مسلمان هستند و کسانی را کہ مخالف عقایدشان باشند مشرک می دانند. با این نگرش کشتن اہل سنت و قتل عام علما را مباح شمرند تا اینکہ خداوند قدرت و شوکت آنان را از بین برد. (2)

البتہ این رویکرد ہمہ دیوبندیان در برابر وہابیت نبود (3) و برخی از علمای دیوبند، از جملہ رشید احمد گنگوہی، از مؤسسان اولیہ مدرسہ دارالعلوم معتقد بودند محمد بن عبدالوہاب پیرو مذهب حنبلی و برخوردار از عقیدہ صحیحی بودہ و پیروانش انسان های صالحی هستند، جز اینکہ در طبیعت او مقداری تشدد بود و پیروانش تعدی کردہ اند. (4)

بنابراین، می توان گفت نوع نگاه دیوبندیان بہ وہابیت دوگانہ است و برخی همچون شیخ حسین احمد مدنی شدیدترین موضع را در قبال وہابیت اتخاذ کردہ اند (5) و محمد بن عبدالوہاب را شخصی ظالم، عاصی، فاسق و سفاک معرفی کردہ اند کہ با افکار باطل و عقاید فاسدش خون مسلمانان را برای خود حلال می شمرد و این عمل را موجب اجر و ثواب می دانست. (6) خلیل احمد سہارنپوری نیز محمد بن عبدالوہاب و اتباعش را خوارجی می داند کہ از منطقہ نجد خروج کردہ اند، بر حرمین شریفین مستولی شدہ اند، مخالفان خود را مشرک خطاب می کنند و بدین سبب کشتار اہل سنت و علمای آنها را بر خود حلال می دانند. (7) محمد انورشاہ کشمیری، یکی دیگر از اکابر دیوبندیہ، محمد بن عبدالوہاب را شخصی کودن و پلید می داند کہ بہرہ چندانی از علم نبرده است و بہ این دلیل حکم بہ کفر بسیاری از مسلمانان می دہد. (8)

اما این رویکرد با چنین شدتی در قبال وہابیت ادامہ نیافت. دیوبندیان گرچہ دورہ اول و دوم وہابیت را نکوہش می کردند، اما این تقابل با تشکیل دولت سوم سعودی و ثروت های عظیم نفتی کہ عاید دولت سعودی شد دیگر ادامہ نیافت، زیرا دولت سعودی با درآمدهای نفتی خود بسیاری از مراکز دینی را تحت عنوان «رابطۃ العالم الاسلامی» تغذیہ مالی کرد و نوع نگاه آنان بہ وہابیت را تغییر داد. این تغییر تا جایی پیش رفت کہ در دیدار علمای وہابی از مدرسہ دیوبند دربارہ موارد قرابت میان وہابیت و دیوبند بہ این مسئلہ اشارہ می شود کہ مخالفان دیوبند قبلاً بہ دیوبندیان لقب وہابی دادہ اند. (9) دیوبندیان در این دیدار خود را مؤید این دعوت خواندند و سخنان علمای پیشین خود را تأویل کردند یا از این موضع علمای خود برائت جستند. (10) از باب نمونہ، محمد منظور نعمانی، از علمای معاصر دیوبند، در کتاب دعايات مكثفة ضد محمد بن عبدالوہاب بہ توجیہ رویکرد اکابر خود در قبال محمد بن عبدالوہاب می پردازد. او آنچه را حسین احمد مدنی در کتاب الشہاب الثاقب آورده رأی شخصی حسین احمد نمی داند، بلکہ معتقد است حسین احمد در این کتاب ناقل دیدگاہ هایی بودہ کہ مردم عامہ و خاصہ در محافل و کتب خود دربارہ محمد بن عبدالوہاب و جماعتش اظہار می کردند. (11) او در جای دیگری می گوید: «ہنگامی کہ

- 1- . همان، ص 14-42.
- 2- . خليل احمد سهارنپورى، المهتد على المفند، ص 58.
- 3- . ابوالمكرم بن عبد الجليل، دعوة الامام محمد بن عبد الوهاب بين مؤيديها ومعارضيه في شبه القارة الهندية، ص 141.
- 4- . رشيد احمد گنگوهي، فتاوى رشيديه، ص 292.
- 5- . ابوالمكرم بن عبد الجليل، دعوة الامام محمد بن عبد الوهاب بين مؤيديها ومعارضيه في شبه القارة الهندية، ص 142 و 144.
- 6- . حسين احمد مدني، الشهاب الثاقب على المسترق الكاذب، ص 42.
- 7- . خليل احمد سهارنپورى، المهتد على المفند، ص 58.
- 8- . محمد انور شاه كشميري، فيض الباري على صحيح البخاري، ج 1، ص 252.
- 9- . ابوالمكرم بن عبد الجليل، دعوة الامام محمد بن عبد الوهاب بين مؤيديها ومعارضيه في شبه القارة الهندية، ص 142.
- 10- . صفى الرحمن مباركفوري، دعوة الشيخ محمد بن عبد الوهاب بين مؤيديها ومعارضيه في شبه القارة الهندية، مقدمه، ص 14.
- 11- . محمد منظور نعماني، دعايات مكثفة ضد محمد بن عبد الوهاب، ص 38.

حسین احمد و خلیل احمد حقیقت دعوت محمد بن عبدالوهاب را درک کردند از آنچه علیه او نگاشته بودند رجوع کردند» (1). حتی این توجیحات نعمانی هم رضایت طرفداران محمد بن عبدالوهاب را جلب نکرد. ابومکرم عبدالجلیل سلفی در کتاب دعوة الامام محمد بن عبدالوهاب بین مؤیدها و معارضیها فی شبه القارة الهندية به تمام توجیحات نعمانی پاسخ می دهد و مخالفت بزرگان دیوبندیه با دعوت محمد بن عبدالوهاب را امری مسلم می داند. (2)

تقابل دیوبندیه با شیعه

بعد از تأسیس مدرسه دارالعلوم دیوبند به دست جمعی از علمای احناف شبه قاره که به نحوی تعلیم یافته مکتب شاه ولی الله دهلوی بودند، این عده به تأسی از اکابر خود همچون شاه ولی الله و عبدالعزیز دهلوی از رویکرد ضدشیعی خود دست برداشتند و علیه مذهب شیعه دست به تألیف زدند. در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم.

محمود اشرف عثمانی، عضو دارالافتای کراچی، علاوه بر کتاب تحفة اثنی عشریة اثر عبدالعزیز دهلوی، کتاب های هدیه الشیعة ملا محمد قاسم نانوتوی و هدایة الشیعة رشید احمد گنگوهی را در کنار هدایات الرشید و مطرقة الكرامة خلیل احمد سهارنپوری در مسائل اختلافی بین شیعه و سنی از مهم ترین کتب علمی برمی شمارد که به عنوان منبع و مأخذ برای آنها به حساب می آید. (3)

دیوبندیان، علاوه بر این کتاب ها، کتاب های دیگری در رد شیعه نگاشته اند که از آن جمله می توان به این آثار اشاره کرد: مقالات مختلفة مقام صحابه پر، از حسین احمد مدنی، کشف التلبیس، از ولایت حسین شاگرد خلیل احمد سهارنپوری، إرشاد الشیعة از سرفراز خان صفدر، ارتداد شیعه از عبدالشکور لکنوی، انقلاب ایران و خمینی از محمد منظور نعمانی، إبطال أصول الشیعة بالدلائل العقلية والنقلية از شیخ رحیم الله بجنوری، حقیقة الشیعة از شیخ رشید احمد لدیانوی، بطلان عقائد الشیعة و صورتان متضادتان لنتائج جهود الرسول الأعظم از ابوالحسن ندوی. (4)

نویسندگان دیوبندیه کتب دیگری نیز در این خصوص نوشته اند که نشان از اهتمام آنها به نقد عقاید شیعه و ادامه راه پیشینان خود از جمله شاه ولی الله دهلوی و شاه عبدالعزیز دهلوی دارد. (5)

پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای مذهب شیعه در ایران تأثیر بسزایی بر بیداری مسلمانان جهان، به ویژه مردم پاکستان، گذاشت. شیعیان پاکستان، که تا قبل از انقلاب ایران چندان تحرک سیاسی نداشتند، بعد از انقلاب ایران به تدریج وارد عرصه سیاسی شدند که از مهم ترین اقدامات آنان می توان به تشکیل نهضت جعفری اشاره کرد. پس از گذشت حدود پنج سال از انقلاب ایران، طیف تندرو دیوبندیان پاکستان در تاریخ 20 ذی الحجة 1405 ه.ق. برابر با 6 سپتامبر 1985 به رهبری حق نواز جهنگوی انجمن سپاه صحابه را تشکیل دادند. این انجمن به نام دفاع از مقام صحابه ولی با هدف جلوگیری از تأثیر انقلاب اسلامی ایران به تشویش اذهان عمومی علیه شیعیان و معتقدات آنان پرداخت و معتقدات شیعیان را به گونه ای معرفی کرد که شیعیان کافر جلوه کنند. آن ها از حزب «جماعت اسلامی» پاکستان به سبب دفاع از انقلاب ایران شدیداً انتقاد کردند (6)

تا مبادا این گروه از انقلاب ایران تأثیر بپذیرند. انجمن سپاه صحابه بهترین راه برای جلوگیری از تأثیر انقلاب ایران در پاکستان را کافر نشان دادن شیعیان دانستند و تلاش کردند با این کار تنفر عمومی از شیعه، معتقدات آنها و نظام حکومتی شان ایجاد کنند. فاروقی، از رهبران سپاه صحابه، معتقد است شیعیان چهارده قرن خود را با تقیه مسلمان معرفی کرده اند، در حالی که عقاید آنها با عقاید اسلام در تضاد است. به گفته آنها، شیعیان کلمه طیبه لا اله الا الله را تغییر می دهند و قائل به تحریف قرآن کریم و کفر صحابه هستند. تمام علمای اسلام

اعم از بریلوی، دیوبندی و اهل حدیث قائل اند که عقاید شیعیان از اسلام به دور است. شیعیان بعد از انقلاب اسلامی ایران علمدار اسلام شدند و ادعا کردند که پیرو امت اسلامی هستند در حالی

ص: 23

-
- 1- . همان، ص 40.
 - 2- . ابوالمکرم بن عبد الجلیل، دعوة الامام محمد بن عبد الوهاب بین مؤیدها و معارضیها فی شبه القارة الهندية، ص 165-223.
 - 3- . محمود اشرف عثمانی، عقیده امامت و حدیث غدیر، ص 2.
 - 4- . محمد عبیدالله اسعدی قاسمی، دار العلوم دیوبند مدرسة فكرية توجیهية، ص 232-233.
 - 5- . <http://www.haqforum.com/vb/showthread.php?17532> - علماء- دیوبند- وآثارهم- العلمية.
 - 6- . نک.: رب نواز طاهر، نقوش جهنگوی، ص 24.

که حقیقت این گونه نیست. (1) شیعیان سالیان متمادی هویت اصلی خود را از همگان مخفی می کردند تا اینکه بعد از تشکیل سپاه صحابه در دهه 90 میلادی کفر شیعیان برای همگان نمایان شد. (2)

فاروقی در کتاب تاریخی دستاویز و اعظم طارق از دیگر رهبران سپاه صحابه در کتاب فیصله آپ کرین و سایر آثار خود مطالب خود را به گونه‌ای پیش می برند که شیعه در نهایت کافر تلقی شود. به همین دلیل فاروقی بر روی جلد کتاب تاریخی دستاویز خود از مخاطب می پرسد «شیعه مسلمان است یا کافر؟ شما قضاوت کنید».

آنچه مهم است و سپاه صحابه و سایر تندروها باید بدانند این است که از کلمات بسیاری از بزرگان دیوبند تکفیر شیعه به دست نمی آید و نهایت مطلبی که می توان از فتاوی علمای دیوبند استنباط کرد این است که شیعه اهل بدعت است. عبدالعزیز دهلوی در کتاب فتاوی خود آورده است که اجماعی بر کفر شیعه وجود ندارد، بلکه بسیاری از علمای حنفی ماوراءالنهر و علمای حنفی مصر و عراق و همچنین علمای شافعی شیعیان را مبتدع می خوانند. (3)

دیوبندیه در پاکستان

با استقلال پاکستان از هند در سال 1947 مسلمانان از هند به پاکستان مهاجرت کردند. بیشتر مهاجران سنی مذهب و متعلق به مکتب دیوبندیه بودند. (4) برخی از مدارس، مانند مدرسه دارالعلم در کلکته هند، نیز به کورنگی پاکستان انتقال یافت. (5) در سال 1977 ژنرال ضیاءالحق با کودتا علیه ذوالفقار علی بوتو به قدرت رسید. (6)

و پاکستان شاهد اوج روابط دولتش با عربستان سعودی بود. ضیاءالحق در دوره ده ساله حکومت خود بیست و هفت بار از عربستان دیدن کرد و عربستان سعودی نیز فعالیت های تبلیغی - مذهبی خود را در این دوره به بالاترین حد خود رساند. (7)

و از مدارس علمیه و احزاب هوادار وهابیت نظیر مکتب دیوبندی حمایت مالی کرد. (8)

ژنرال ضیاءالحق به تقلید از مدل عربستان سعودی به اسلامیزه کردن پاکستان همت گماشت. (9)

و زمینه تأسیس هزاران مدرسه مذهبی را در کشورش فراهم کرد، به طوری که در سال 1971 فقط 900 مدرسه علمیه در پاکستان وجود داشت. اما در پایان رژیم ضیاءالحق در سال 1988 آمار غیررسمی مدرسه ها، که عمدتاً به دیوبندیان تعلق داشت، بین هشت تا بیست و پنج هزار مدرسه متغیر بود و در این مدرسه ها بیش از نیم میلیون طلبه تحصیل می کردند. (10)

در حال حاضر حدود سی هزار مدرسه مذهبی در پاکستان به ثبت رسیده که حدود دوازده هزار مدرسه گرایش های افراط گرایانه دارند. در دوره جهاد در افغانستان دروس جهادی و آموزش های نظامی و سلاح بخش وسیعی از دروس این مدارس را تشکیل می داد. (11) در سال های اخیر سیلی از پیکارجویان آسیای مرکزی برای تحصیل در شبکه عظیم مدارس دینی دیوبندی به پاکستان سرازیر شده اند. حرکت اسلامی حزب التحریر و شورشیان چینی بسیاری از افراد جوان خود را برای تحصیل به پاکستان فرستاده اند و از سوی دیگر احزاب اسلامی پاکستان همچنان به محصلان آسیای مرکزی در مدارس خود به عنوان شاهدی بر نفوذشان در منطقه مباحث می کنند. تربیت کنندگان دینی در مدارس و فرهنگ جهادی به محصلان نشان چنین القا می کنند که حتی بیش از میدان های نبرد افغانستان در حال پرورش و تغذیه تندروهای اسلامی متعهد برای نزاع آتی در آسیای مرکزی هستند. (12)

- 1- . ضياء الرحمن فاروقی، تاریخی دستاویز، ص 13.
- 2- . همان، ص 14.
- 3- . عبدالعزیز دهلوی، فتاوی عزیز، ص 48.
- 4- . مهسا ماه پیشانیان، «مقدمه ای بر الگوهای بی ثباتی و درگیری در پاکستان»، کتاب آسیا (5) (ویژه مسائل پاکستان)، ص 15.
- 5- . دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، پاکستان، ص 27.
- 6- . محمد سرافراز، حركة طالبان من النشوء إلى السقوط، ص 81.
- 7- . علی محمدی، «افراط گرایی در پاکستان علل و پیامدها»، کتاب آسیا (5) (ویژه مسائل پاکستان)، ص 200.
- 8- . احمد رشید، کابوس طالبان، ص 124.
- 9- . محمد حسین دهقانین، «پاکستان و نبود یکپارچگی سرزمینی»، کتاب آسیا (5) (ویژه مسائل پاکستان)، ص 105-106.
- 10- . احمد رشید، کابوس طالبان، ص 123.
- 11- . همان.
- 12- . رحمت الله فلاح، جریان های اسلامی در آسیای مرکزی، ص 142.

ارتباط طالبان با مدارس دیوبندیه

در آغاز دهه 1990 با شروع جنگ های داخلی در افغانستان، از مدارس مذهبی برای آموزش و سازمان دهی جنگجویان طالبان استفاده شد. «جمعیه العلماء اسلام»، که از احزاب دیوبندی است، مدارس مذهبی فراوانی در پاکستان دارد که ده ها هزار طلبه دینی در آنها مشغول تحصیل اند. وجود این مدارس نقش اساسی در راه اندازی جنبش طالبان افغان در سال 1994 ایفا کرد. با وجود اینکه این مدارس فقط 20 درصد مدارس مذهبی پاکستان را شامل می شوند، اما به سبب حمایت های مالی بین المللی که شرایط تحصیل شبانه روزی و رایگان را فراهم کرده استقبال از این مدارس افزایش یافته است. (1) طلاب مدارس پاکستانی تا سال 1999 حدود 30 درصد نیروهای انسانی طالبان را تشکیل می دادند. (2)

و به همین منظور طالبان از روابطشان با مدارس پاکستانی استفاده کرده، هزاران جوان و نوجوان را به ثبت نام و شرکت در جنگ ترغیب کرده اند. به این ترتیب، واحدهای کاملی از نوجوانانی تشکیل شد که کارشان حمل و نقل قطعات توپخانه و مهمات یا نگهداری از تأسیسات و نهایتاً جنگیدن بود. (3)

مدرسه علمیه حقانیه

مهم ترین شاخه جنبش جمعیت علمای اسلام را مولانا سمیع الحق رهبری می کرد. او رهبری سیاسی و مذهبی بود که مدرسه اش مهم ترین مرکز آموزش رهبران کنونی طالبان به شمار می رفت. مدرسه حقانیه در اخوراختک در ایالت سرحد شمال غرب پاکستان واقع است. مجموعه ای از ساختمان های مشرف به بزرگراه اسلام آباد- پيشاور به این مدرسه تعلق دارد. در این مجموعه 1500 طلبه به صورت شبانه روزی و 1000 طلبه به صورت نیمه وقت مشغول به تحصیل هستند و دوازده مدرسه کوچک تر به آن وابسته است. بنیان گذار این مجموعه بزرگ مولانا عبدالحق پدر سمیع الحق بود که آن را در سال 1947 تأسیس کرد. عبدالحق در دیوبند تحصیل کرد و در همان جا به مقام استادی رسید. طلاب مدرسه حقانیه یک دوره هشت ساله مطالعات اسلامی را می گذرانند و پس از یک دوره دوساله دیگر به دریافت دانش نامه مفتخر می شوند. این مدرسه را دولت تأمین مالی می کند و طلاب در آن به صورت رایگان تحصیل می کنند. (4)

«دارالعلوم حقانی» مولانا سمیع الحق یکی از این مدارس با ماهیت بین المللی است. در چند سال گذشته بیش از سه هزار طلبه از افغانستان، ازبکستان، ترکمنستان، چین، منطقه سین کیانگ، یمن، سومالی، بنگلادش و مناطق دیگر در این مدرسه تحصیل کرده اند. به نظر می رسد بیش از ده هزار طلبه ای که در این مرکز آموزش دیده اند خود را ملزم به جهاد با کفار و آمریکا در هر نقطه از جهان می دانند. (5) عجیب اینکه با ورود طالبان به عرصه سیاسی افغانستان، در سال تحصیلی 1999 پانزده هزار نفر داوطلب تحصیل در این مدرسه شدند و به این ترتیب حقانیه به پرطرفدارترین مدرسه در شمال پاکستان تبدیل شد. (6)

در همین دوران بود که دست کم هشت وزیر حکومت طالبان در کابل، از محصّلین مدرسه دارالعلوم حقانی بودند، در حالی که ده ها دیپلمه دیگر این مدرسه، در سمت های مهم چون حاکم ولایت، فرمانده، قاضی و کادر اداری طالبان فعالیت داشتند. یونس خالص و محمد نبی محمدی سران احزاب مجاهدین سنتی، هر دو در مدرسه حقانیه درس خوانده بودند. (7)

و طبق بیان سمیع الحق در زمانی که سازمان اطلاعات پاکستان از حکمت یار و قاضی حسین احمد (رهبر جماعت اسلامی) پشتیبانی می کرد، هشتاد درصد از فرماندهان جهاد ضد شوروی در نواحی پشتون نشین افغانستان در مدرسه حقانیه درس خوانده بودند. (8)

-
- 1- . جواد جمالی، افراط گرایی در پاکستان (مبانی، عملکرد و چشم انداز)، ص 90.
 - 2- . احمد رشید، طالبان: اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید، ص 160.
 - 3- . همان، ص 173.
 - 4- . همان، ص 147؛ کابوس طالبان، ص 124.
 - 5- . جواد جمالی، افراط گرایی در پاکستان (مبانی، عملکرد و چشم انداز)، ص 91.
 - 6- . احمد رشید، طالبان: اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید، ص 147؛ همو، کابوس طالبان، ص 125.
 - 7- . همو، کابوس طالبان، ص 125.
 - 8- . عبدالقیوم سجادی، گفتمان جهانی شدن و اسلام سیاسی در افغانستان پساتالبان، ص 315؛ احمد رشید، طالبان: زنان، تجارت مافیا و پروژه عظیم نفت در آسیای مرکزی، ص 191؛ احمد رشید، طالبان: اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید، ص 148.

قبل از سال 1994 ملاعمر را نمی شناختم، چون او در پاکستان درس نخوانده است، اما اطرافیان وی طلاب حقانیه بودند و بارها به دیدنم آمده و بحث می کردند که چه باید کرد. من آنان را نصیحت کردم که حزب تشکیل ندهند، چراکه سازمان اطلاعات پاکستان هنوز سعی می کرد احزاب مجاهدین را علیه یکدیگر تحریک کند، تا آنها را در چند دستگی نگه دارد. به طلاب پیشنهاد کردم یک جنبش طلبگی به راه اندازند. هنگامی که جنبش طالبان شکل گرفت، من به آی.اس.آی گفتم که بگذارید طلبه ها افغانستان را تسخیر کنند. (1)

علمای دیوبندی در حمایتشان از طالبان نهایت تلاش خود را می کردند، تا حدی که مدارس دینی خود را برای تأمین نیروی انسانی طالبان به تعطیلی کشاندند تا طلاب بتوانند با فراغت به طالبان بپیوندند. طلاب افغان ساکن اردوگاه های مهاجران و نیز طلاب داوطلب پاکستانی همه روزه با اتوبوس های اجاره شده احزاب اسلام گرای پاکستان وارد قندهار و کابل می شدند. این داوطلبان بدون داشتن ویزا با همکاری دولت پاکستان از مرز عبور می کردند. (2) بعد از شکست طالبان در مزار شریف که بدترین شکست طالبان از زمان ظهورشان به شمار می رفت، ملاعمر در پیامی اضطراری از طلبه های ساکن در پاکستان خواست به کمک طالبان بشتابند. در اینجا بود که بسیاری از مدارس تعطیل شد و حدود پنج هزار داوطلب جدید از طالبان افغان و پاکستانی به صفوف طالبان پیوستند. (3)

در پی شکست طالبان در مزارشریف در سال 1997 سمیع الحق پیام تلفنی ملاعمر را برای درخواست کمک دریافت کرد. او پس از دریافت این پیام مدرسه اش را بست و تمام طلبه هایش را به جبهه های جنگ طالبان فرستاد. مشابه همین عمل را بعد از حمله طالبان به مزارشریف در سال 1998 انجام داد. سمیع الحق نشستی بین رهبران طالبان و مسئولان دوازده مدرسه در شمال غرب پاکستان برگزار کرد تا برای تقویت ارتش طالبان تدابیری اندیشیده شود. در این نشست مشترک مسئولان مدارس پذیرفتند مدرسه ها را به مدت یک ماه تعطیل کنند. آنها پس از تعطیلی مدارس حدود هشت هزار تن از طالبان را به افغانستان اعزام کردند. کمک هایی که طالبان از مدارس دیوبندی پاکستان دریافت می کند به اندازه ای است که آنها صرف نظر از حمایت های دولت و آژانس های اطلاعاتی پاکستان می توانند به طور کامل به این کمک ها متکی باشند. (4)

مدرسه جامعه العلوم الاسلامیه

یکی دیگر از مدارس مهم دیوبندی از شاخه جمعیه العلماء پاکستان جامعه العلوم الاسلامیه است که در شهر بنوری نزدیک کراچی قرار دارد. این مرکز را مرحوم مولوی محمد یوسف بنوری تأسیس کرد. اکنون هشت هزار طلبه از جمله صدها طلبه افغان در آن مشغول تحصیل هستند و چند تن از وزرای فعلی طالبان در آنجا تحصیل کرده اند. مرکز یادشده از مسلمانان چهل و پنج کشور کمک مالی دریافت می کند. مفتی جمیل یکی از استادان این مرکز گفت: «ما از اینکه به طالبان درس داده ایم به خود می بالیم و همیشه برای موفقیت آنان دعا می کنیم، چون آنان برای اجرای قوانین روشن اسلامی تلاش می کنند». بنوری در سال 1997 حدود ششصد طلبه را به افغانستان فرستاد تا به طالبان بپیوندند. (5)

در ماه نوامبر همین سال بود که طلبه های مدرسه بنوری پس از کشته شدن سه تن از استادانشان، در شهر کراچی دست به خشونت زدند. آنان ضمن حمله به پلیس، وسایط نقلیه و ویدئوکلوپ ها را در هم شکستند و عکاس ها را کتک زدند. این اولین بار بود که بزرگ ترین شهر پاکستان با چهره جهانی، آشوبی به سبک طالبان را از سر می گذراند. (6)

دیوبندیه در ایران

حدود هفتاد سال پیش گروهی از طلاب بلوچستان ایران، که با مدرسه دارالعلوم دیوبند هم عقیده بودند، برای کسب علوم دینی به

هندوستان سفر کردند و نزد ارادتمندان شیخ الہند محمود حسن دیوبندی و شاگردان او حسین احمد مدنی، مولانا عثمانی و برخی دیگر،
کہ ہمگی پیرو اندیشہ دیوبندی حیاتی بودند، کسب علم کردند. از معروف ترین این چہرہ ہا می توان بہ مولوی گل محمد افتری، مولوی
احمد

ص: 26

-
- 1- . احمد رشید، طالبان: اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید، ص 148؛ ہمو، کابوس طالبان، ص 126.
 - 2- . ہمو، طالبان: اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید، ص 93.
 - 3- . ہمان، ص 104.
 - 4- . ہمان، ص 149؛ ہمو، کابوس طالبان، ص 127.
 - 5- . ہمو، کابوس طالبان، ص 127.
 - 6- . ہمو، طالبان: اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید، ص 150.

حسن ایران شهری، مولوی دادر حمن باهوی، مولوی عبدالملک سربازی، مولانا عبدالله سربازی، مولانا عبدالعزیز زاهدانی و مولوی قمرالدین ملازایی اشاره کرد. (1) پس از این سفر، کاروان های دیگری از طلاب شرق کشور به سوی هند و پاکستان رهسپار شدند و بعد از بازگشت به مناطق خود حامل اندیشه دیوبند از دیار هند و پاکستان بودند و تا به حال بسیاری از مناطق را تحت تأثیر اندیشه وارداتی خود قرار داده اند.

ایران اسلامی از اندیشه دیوبندی مماتی هم بی بهره نشد. افرادی همچون ملا عبدالواحد سیدزاده، که از مریدان و شاگردان حسین علی الوانی بود، با شرکت در درس تفسیر حسین علی شدیداً از اندیشه های وی تأثیر پذیرفتند و در ترویج اندیشه های دیوبندیان مماتی فعالیت های بسیاری انجام دادند. ملا عبدالواحد سیدزاده به دستور حسین علی برای ارشاد اهالی شهر ملتان پنجاب دو سال به امر تبلیغ مشغول شد و در آن منطقه تأثیراتی بر جای گذاشت. (2) او کتابی با عنوان أحسن المقصود تألیف کرد که هم افق با تفکرات حسین علی و دیوبندیان مماتی بود. این کتاب در حال حاضر در بلوچستان ایران چندین بار تجدید چاپ شد و در دسترس عموم قرار گرفت.

سیدزاده در سال 1358 ه.ق. به کشورش ایران باز می گردد و بر دورکردن مردم بلوچستان از اموری که به زعم او امور شرکیه است همت می گمارد. (3) مولوی عبدالحکیم سیدزاده، فرزند عبدالواحد، درباره وضعیت مردم بلوچستان چنین می گوید:

حدود هفتاد و اندی سال پیش بسیاری از عادات و رسوم غیراسلامی بر بلوچستان مسلط بود و در آنجا صورت های مختلفی از شرک جلی یافت می شد که توجیه علمی آنها غیرممکن است، مانند عبادت، سجده و طواف قبور، نذر برای قبور بزرگان، چادرانداختن بر قبور، تعیین غذاهای مخصوص در روزهای مخصوص، التجا به ارواح خبیثه در دفع امراض، نام گذاری به نام های شرکی، مثل پیربخش، علی بخش و ... به طور عام رواج گرفته بود. (4)

در چنین وضعیتی مولانا سیدزاده مردم را به سوی دیوبندیه مماتی سوق می دهد و در سال 1358 ه.ق. مدرسه ای به نام عین العیون تأسیس می کند که پس از گذشت چندین سال از تأسیس آن به یکی از بزرگ ترین مراکز دینی اهل سنت در ایران تبدیل می شود. (5)

در اوایل دهه 1340 شمسی کاروانی از محصلان مدارس علمیه بلوچستان برای تکمیل تحصیلات عازم پاکستان می شوند. این گروه از طلاب، که حدود شصت نفر بودند، ابتدا به مدرسه تیدی شهر سکهر ایالت سند می روند و در نهایت از مدارس ایالت پنجاب فارغ التحصیل می شوند که همگی از دیوبندیان مماتی هستند. در حال حاضر، برخی از علمای شاخص در حال حاضر بلوچستان ایران از همین هیئت شصت نفره هستند. (6) یکی از تأثیرگذارترین این مدارس؛ مدرسه بدرالعلوم رحیم یارخان پنجاب به مدیریت عبدالغنی جاجروی بود. او در آن منطقه از مروّجان اندیشه مماتی حسین علی به شمار می رفت و به همین سبب بسیاری از مناطق شرق ایران از اندیشه دیوبندیان مماتی بهره برد و در حال حاضر در این مناطق این اندیشه در قالب تعلیم درس تفسیر قرآن ترویج می شود.

ص: 27

1- . خلیل احمد سهارنپوری، عقاید اهل سنت و الجماعت در رد وهابیت و بدعت، ص 45.

2- . عبدالواحد سیدزاده، أحسن المقصود فی توحید المعبود، مقدمه عبدالحکیم سیدزاده، ص 16.

3- . همان.

4- . همان، ص 17.

5- . همان، ص 18.

1. قرآن کریم.
2. ابو المکرم بن عبد الجلیل (1421). دعوة الشيخ محمد بن عبد الوهاب بين مؤيديها ومعارضيهما في شبه القارة الهندية، رياض: دار السلام للنشر والتوزيع، الطبعة الاولى.
3. اسعدى قاسمى، محمد عبيدالله (1420). دار العلوم ديوبند (مدرسة فكرية توجيهية حركة صلاحية دعوية، مؤسسة تعليمية تربوية)، هند: آكاديمية شيخ الهند، جامعه دار العلوم ديوبند، الطبعة الاولى.
4. افغانى، شمس الدين (1416). جهود علماء الحنفية فى إبطال عقائد القبورية، رياض: دار الصمىعى، الطبعة الاولى.
5. _____ (1419). عدااء الماتريديّة للعقيدة السلفية الماتريديّة وموقفهم من توحيد الأسماء والصفات، طائف: مكتبة الصديق، الطبعة الثانية.
6. آلوسى، نعمان بن محمود (1401). جلاء العينين فى محاكمة الأحمدين، قاهره: مطبعة المدنى.
7. بخارى، محمد بن اسماعيل (1422). صحيح بخارى، تحقيق: محمد زهير بن ناصر، دمشق: دار طوق النجاة، الطبعة الاولى.
8. بريلوى، احمد رضا (1427). حسام الحرمين على منح الكفر واليمين، تحقيق: محمد أسلم رضا، لاهور: مؤسسة رضا و دار أهل السنة للطباعة والنشر، الطبعة الاولى.
9. پنج پيرى، محمد طاهر (1421). نيل السائرين فى طبقات المفسرين، باكستان: مكتبة اليمان و دار القرآن، الطبعة الثالثة.
10. _____ (1427). البصائر للمتوسلين بأهل المقابر، باكستان: مكتبة اليمان و دار القرآن.
11. _____ (1427). ضياء النور من احياء السنة لدحض الفجور واماة البدعة، باكستان: مكتبة اليمان و دار القرآن.
12. تهانوى، اشرف على (1411). نشر الطيب، مجلس صيانة المسلمين، الطبعة الاولى.
13. _____ (1431). امداد الفتاوى (بترتيب جديد مفتى محمد شفيق صاحب)، كراچى: مكتبة دار العلوم.
14. _____ (بى تا). حفظ الايمان مع بسط البنان وتغيير العنوان، كراچى: قديمى كتب خانه.
15. جاجروى، عبدالغنى (1391). گزيده مقدمه كتاب التوحيد، سبزووار: انتشارات نكين كوير، چاپ اول.
16. جعفریان، رسول (1387). «احمد سرهندي و رابطه شيعيان خراسان و هندوستان»، پیام بهارستان، ش 1 و 2، ص 62-67.
17. جمالى، جواد (1390). افراط گرايى در پاكستان (مبانى، عملکرد و چشم انداز)، تهران: نشر مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، چاپ اول.

18. چابهارى، عبدالرحمن (بى تا). مقدمه عقايد اهل سنت و جماعت در رد وهابيت و بدعت، بى جا.
19. حسنى طالبي، عبد الحى (1403). الثقافة الاسلامية فى الهند، دمشق: مطبوعات مجمع اللغة العربية، الطبعة الثانية.
20. _____ (1420). الاعلام بمن فى تاريخ الهند من الاعلام المسمى بنزهة الخواطر وبهجة المسامع والنواظر، بيروت: دار ابن حزم، الطبعة الاولى.
21. حسيني بنورى، محمد يوسف (بى تا). تكملة البنورى لفقہ اهل العراق للكوثرى، المكتبة الأزهرية للتراث، قاهره.
22. خامنه اى، سيد على (1347). مسلمانان در نهضت آزادى هندوستان، تهران: انتشارات آسيا.
23. داجوى، حمدالله (1433). البصائر لمنكرى التوسل بأهل المقابر، پيشاور: مظهرى كتب خانه.
24. دامنى، عبدالعلى (1393). بلوچستان در آينه تاريخ، تهران: نشر احسان، چاپ اول.
25. دفتر مطالعات سياسى و بين المللى (1389). پاکستان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
26. دهقانين، محمد حسين (1389). «پاکستان و نبود يکپارچگى سرزمينى»، كتاب آسيا (5) (ويژه مسائل پاکستان)، تهران: نشر مؤسسه فرهنگى مطالعات و تحقيقات بين المللى ابرار معاصر، چاپ اول.
27. دهلوى، احمد بن عبد الرحيم (1352). الخير الكثير، پريس بجنور: المجلس العلمى.
28. _____ (1355). التفهيمات الالهية، هند: المجلس العلمى.
29. _____ (1426). حجة الله البالغة، تحقيق: سيد سابق، بيروت: دار الجيل، الطبعة الاولى.
30. _____ (بى تا). إزالة الخفاء عن خلافة الخلفاء، تحقيق: سيد جمال الدين هروى، در: www.aqeedeh.com.
31. _____
- (بى تا). البلاغ المبين، لاهور: المكتبة السلفية.
32. _____ (بى تا). تحفة الموحدين، ترجمه مولانا رحيم بخش دهلوى، لاهور: المكتبة السلفية.
33. _____
- (بى تا). عقد الجيد فى أحكام الاجتهاد والتقليد، تحقيق: محب الدين الخطيب، قاهره: المطبعة السلفية.
34. _____ (بى تا). مصفى به حاشيه مسوى، دهلى: نشر فاروقى.

1. دهلوی، عبدالعزیز (1373). مختصر التحفة الاثنی عشریة، تهذیب و اختصار: محمود شکری آلوسی، تحقیق: محب الدین خطیب، قاهره: المطبعة السلفية.
2. _____ (بی تا). فتاوی عزیز، کویتہ پاکستان: دار الاشاعة العربیة.
3. رب نواز طاہر (بی تا). نقوش جہنگوی، کراچی: مکتبہ خلافت راشدہ.
4. الرحمن، سید طالب (1419). الادیوبندیة تعریفها عقائدها، ریاض: دار الصمیعی للنشر والتوزیع، الطبعة الاولى.
5. الرحمن، عبد الوہاب خلیل (1406). الدعوة السلفية فی شبه القارة الهندیة وأثرها فی مقاومة الانحرافات الدینیة، رساله ماجستر جامعہ أم القری.
6. رشید، احمد (1379). طالبان: اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید، ترجمہ: اسداللہ شفاہی و صادق باقری، تہران: نشر دانش ہستی، چاپ اول.
7. _____ (1382). طالبان: زنان، تجارت مافیا و پروژہ عظیم نفت در آسیای مرکزی، ترجمہ: نجلہ خندق، تہران: نشر بقعہ، چاپ اول.
8. _____ (1383). کابوس طالبان، ترجمہ: گیلدا ایروانلو، تہران: نشر هوای رضا، چاپ اول.
9. رضوی، سید مرتضی (بی تا). صفحہ عن آل سعود الوہابیین وآراء علماء السنّة فی الوہابیة، بی جا.
10. ساداتی، احمد محمود (بی تا). تاریخ المسلمین فی شبه القارة الهندیة و حضارتہم، قاهرہ: مکتبہ الأدب.
11. سجادی، سید عبدالقیوم (1388). گفتمان جہانی شدن و اسلام سیاسی در افغانستان پسا طالبان، قم: سازمان انتشارات دانشگاہ مفید، چاپ اول.
12. سرافراز، محمد (1429). حركة طالبان من النشوء إلى السقوط، بیروت: دار المیزان، الطبعة الاولى.
13. سرہندی، احمد (1877). مکتوبات امام ربانی، لکنہو: بی نا.
14. سلمان، محمد بن عبداللہ (بی تا). دعوة محمد بن عبد الوہاب وأثرها فی العالم الاسلامی، بی جا: بی نا.
15. سہارنپوری، خلیل احمد (1427). المہتد علی المفہد، تحقیق: السید طالب الرحمن، ریاض: جامعۃ الامام محمد بن سعود الاسلامیة، الطبعة الاولى.
16. _____

(بی تا). عقائد اہل سنت و الجماعت در رد و ہابیت و بدعت، مقدمہ و ترجمہ: عبدالرحمن سربازی، بی جا: بی نا.

17. سيدزاده، عبد الواحد (بی تا). أحسن المقصود فی توحید المعبود، تحقیق: عبدالحکیم سیدزاده، کُثبتِ سراوان: الطبعة السابعة.
18. شمس، محمد عزیز؛ العمران، علی بن محمد (1422). الجامع لسيرة شيخ الاسلام ابن تيمية، مكة: دار عالم الفوائد للنشر والتوزيع، الطبعة الثانية.
19. طيب، محمد (1430). علماء ديوبند عقيدةً ومنهجاً، ديوبند: نشر دانشگاه اسلامي دارالعلوم، الطبعة الثانية.
20. عثمانی، محمود اشرف (بی تا). عقیده امامت و حدیث غدیر، ترجمه: عمر علی دوست، در: www.aqeedeh.com.
21. عفانی، سید بن حسین (بی تا). زهر البساتین من مواقف العلماء والربانيين، قاهره: دار العفانی.
22. علی، عبدالرحیم (2005). حلف الارهاب تنظیم القاعدة من عبدالله عزام إلى أيمن الظواهري، قاهره: مركز المحروسة للنشر والخدمات الصحفية والمعلومات، الطبعة الثانية.
23. علی زاده موسوی، سید مهدی (1391). نقد وهابیت و سلفی گری، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ اول.
24. عماد، عبد الغنی (2013). الحركات الاسلامية في الوطن العربي، بیروت: مركز دراسات الوحدة العربية، الطبعة الاولى.
25. غلام الله خان (بی تا). تفسير جواهر القرآن از افادات حضرت مولانا حسین علی، راولپندی: کتب خانہ رشیدیہ.
26. غماری، احمد بن محمد بن صدیق (1389). علی بن ابی طالب إمام العارفين أو البرهان الجلی فی تحقیق انتساب الصوفية إلى علی، تحقیق: أحمد محمد مرسى، قاهره: مطبعة السعادة، الطبعة الاولى.
27. فاروقی، ضیاء الرحمن (1995). تاریخی دستاویز، جهنگ: نشر سپاه صحابه، چاپ دوم.
28. فریوائی، عبد الرحمن بن عبد الجبار (1415). «شيخ الاسلام ابن تيمية علومه ومعارفه فی شبه القارة الهندية»، مجلة البحوث الاسلامية، الرئاسة العامة لادارات البحوث العلمية، ش 42، ص 163-190.
29. فسنگ (1398). مفتاح كنوز السنة، تعريب: محمد فؤاد باقى، مقدمه: محمد رشيد رضا و احمد شاکر، إدارة ترجمان السنة، لاهور.
30. فلاح، رحمت الله (1390). جریان های اسلامی در آسیای مرکزی، تحولات و چشم اندازها، تهران: نشر مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، چاپ اول.
31. فتوحی بخاری، محمد صدیق خان بن حسن (1423). أبجد العلوم، بیروت: دار ابن حزم، الطبعة الاولى.
32. کامنیز، دیوید (1393). وهابیت و عربستان سعودی، ترجمه: مجتبی فاضلی، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.

1. كنانى، محمد عبد الحى (1982). فهرس الفهارس والأبواب ومعجم المعاجم والمشیخات والمسلسلات، تحقیق: إحسان عباس، بیروت: دار الغرب الاسلامی، الطبعة الثانية.
2. کشمیری، محمد انور شاه (1426). فیض الباری علی صحیح البخاری، تحقیق: محمد بدر عالم المیرتھی، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
3. گنگوهی، رشید احمد (بی تا). فتاوی رشیدیہ مہوَب بطرز جدید، کراچی: دار الاشاعت.
4. ماه پیشانیان، مهسا (1389). «مقدمه ای بر الگوهای بی ثباتی و درگیری در پاکستان»، کتاب آسیا (5) (ویژه مسائل پاکستان)، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، چاپ اول.
5. محمد المصری، جمیل عبدالله (1406). حاضر العالم الاسلامی، سعودی: کلیة الدعوة وأصول الدین، الطبعة الاولى.
6. محمد خیر بن رمضان بن اسماعیل یوسف (1418). تکملة معجم المؤلفین، بیروت: دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزیع، الطبعة الاولى.
7. محمدی، علی (1389). «افراط گرایی در پاکستان، علل و پیامدها»، کتاب آسیا (5) (ویژه مسائل پاکستان)، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، چاپ اول.
8. مدنی، حسین احمد (بی تا). الشهاب الثاقب علی المسترق الکاذب، دیوبند: کتاب خانه امدادیہ.
9. مقبول احمد، صلاح الدین (1416). دعوة شیخ الاسلام ابن تیمیة وأثرها علی الحركات الاسلامیة المعاصرة وموقف الخصوم منها، کویت: دار ابن الاثیر، الطبعة الثانية.
10. الممدوح، محمود سعید بن محمد (1425). غایة التجیل وترک القطع فی التفضیل، ابوظبی: مكتبة الفقيه، الطبعة الاولى.
11. موثقی، احمد (1389). جنبش های اسلامی معاصر، تهران: سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاه ها، چاپ یازدهم.
12. مودودی، ابوالاعلی (1386). موجز تاریخ تجدید الدین و احیائه و واقع المسلمین و سبیل النهوض بهم، لبنان: دار الفکر الحدیث، الطبعة الثانية.
13. ناظمیان فرد، علی (1390). «دارالعلوم دیوبند، زمینه ها و راهبردها»، در: فصل نامه مطالعات شبه قاره، س3، ش9، ص129-148.
14. ندوی، ابوالحسن (1381). آنگاه که نسیم ایمان وزید، ترجمه: محمد ابراهیم دامنی، تهران: نشر صدیقی.
15. _____ (1406). إذا هبت ریح الايمان، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ دهم.
16. _____ (1414). الامام سرهندي حياته وأعماله، کویت: دار القلم، الطبعة الثانية.

17. _____ (1420). المسلمون في الهند، دمشق: دار ابن كثير، الطبعة الاولى.

18. _____ (1422). محاضرات إسلامية في الفكر والدعوة، تحقيق: سيد عبد الماجد الغوري، دمشق- بيروت: دار ابن كثير، الطبعة الاولى.

19. ندوى، مسعود (بي تا). تاريخ الدعوة الاسلامية في الهند، بيروت: دار العربية.

20. نعماني، محمد منظور (1400). دعايات مكثفة ضد الشيخ محمد بن عبد الوهاب، لكنهو: مكتبة الفرقان.

21. نمر، عبد المنعم (1378). تاريخ الاسلام في الهند، بي جا: دار العهد، الطبعة الاولى.

22. نهرو، جواهر لعل (1386). نگاهی به تاريخ جهان، ترجمه: محمود تفضلي، تهران: انتشارات اميركبير، چاپ سيزدهم.

23. نيشابوري، مسلم بن حجاج (بي تا). صحيح مسلم، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار احياء التراث العربي.

الهي ظهير، احسان (1403). البريلوية عقائد وتاريخ، لاهور: اداره ترجمان السنّة، الطبعة الاولى.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

